

مبارزه کارگران با وجود تشدید فشار و یورش به جنبش همچنان ادامه دارد!

کارخانه سپاهیل اصفهان دست از کارکشیده و اعتصاب کردند. خواست اصلی کارگران اعتصابی پرداخت بقوق دستمزدها، و نیز اعتراض به طرح تغییرقانون کار بود. کارگران کارخانه پروین اصفهان، در اعتراض به عدم پرداخت پاداش و عیدی درسال جدید، در برابر دفتر مدیریت این کارخانه تجمع کرده و اعلام داشتند که، در صورت عدم رسیدگی به خواست هایشان دست به اعتصاب طولانی مدت خواهند زد. روزنامه کار و کارگر، در تاریخ ۲۶ فروردین ماه، گزارش داد که، کارگران کارخانه نساجی پارس ایران، واقع در شهر رشت، در اعتراض به اخراج گروهی از همکاران

ادامه در صفحه ۴

جنبش اعتراضی طبقه کارگر و دیگر زحمتکشان میهن ما، هر روز ابعاد وسیع تری به خود می گیرد، و همگام با گسترش مبارزات دانشجویان، جوانان و زنان، و ضمن ارتقاء در مسیر خود، انسجام نیز می یابد. نمونه برجسته این امر، مقاومت یکپارچه و متحد در برابر طرح تغییرقانون کار بود، که در خرداد ماه جاری، سران رژیم را به عقب نشینی وادار کرد. طی سه ماهه اول سال جاری، کارگران و زحمتکشان باریابی نمایشات اعتراضی گوناگون، حضور خود را در عرصه مبارزه سراسری به نمایش گذاشته اند. از ابتدای سال کنونی، اخبار و گزارشات متعددی پیرامون حرکات اعتراضی گسترده در واحدهای تولیدی و خدماتی، در رسانه های همگانی، بازتاب یافته است.

در اواسط فروردین ماه امسال، بیش از ۲۰۰ تن از کارگران

نامه مردم

ارکان مرکزی حزب توده ایران

شماره ۵۶۴، دوره هشتم
سال شانزدهم، ۲۶ مرداد ۱۳۷۸

کودتای ۲۸ مرداد: سرکوب جنبش، برای غارت بیشتر

در صفحه ۳

طرح تجدید سازمان دهی در صنعت نفت و گاز چیست؟

بازار جهانی نفت، و توانایی ها و ضعف های شرکت ملی نفت ایران، به طرح تجدید سازمان دهی در صنعت نفت و گاز، که از سوی مقامات رسمی جمهوری اسلامی اعلام شده، اشاره کرده، و می نویسد: «سرمایه گذاران فرانسوی معتقدند که، ایرانیان نیاز جدی به سرمایه های خارجی دارند. باتوجه به تغییر و تحولات تکنولوژی در صنعت نفت، شرکت ملی ایران قادر نخواهد بود به تنهایی به سطح تولید شش میلیون بشکه در روز برسد، بیژن نامدار زنگنه، وزیر نفت، در مذاکره با بعضی طرف های خارجی صراحتاً یادآور شده است که، بایستی قانون اساسی ایران تصحیح شود.»

این گونه اخبار و گزارشات در نشریات خارجی فراوان به چشم می خورد. آن چنان که پیدا است، سران رژیم ولایت فقیه، به منظور جلب و جذب سرمایه خارجی و تامین امنیت سرمایه، طرح خصوصی سازی صنایع نفت و گاز را که ثروت مردم میهن ما و اصلی ترین منبع درآمد ارزی کشور محسوب می گردد، تهیه دیده و در صدد اجرای آنند.

از مدت ها پیش، هنگام طرح سامان دهی اقتصادی، مسئولان رژیم بدفعات و در هر فرصتی، شعار تمرکز زدایی در کلیه بخش ها را مطرح ساخته اند. تمرکز زدایی سیاستی است که، هدف آن خصوصی سازی افسار گسیخته در کلیه شئون اقتصادی - اجتماعی کشور است. طرح تجدید سازمان دهی صنعت نفت و گاز بخشی از این سیاست دیکته شده از سوی صندوق بین المللی پول و بانک جهانی است!

ادامه در صفحه ۵

طی یک سال اخیر، اخبار و گزارشات نگران کننده و پرش برانگیزی در ارتباط با صنایع نفت و گاز میهن ما در روزنامه ها و نشریات خارجی، و نیز برخی رسانه های داخلی، انتشار یافته و می یابد. در اوایل مهرماه سال ۱۳۷۷ خورشیدی، مطابق ۲۵ سپتامبر ۱۹۹۸ میلادی، خبرگزاری رویتر گزارشی را به نقل از مقامات وزارت نفت جمهوری اسلامی، پیرامون تغییرات در نحوه اداره صنعت نفت غیردرباری ایران انتشار داد. این طرح، که مسئولان رژیم به آن نام «تجدید سازمان دهی در صنعت نفت و گاز» داده اند، عبارت است از، تجزیه و تقسیم شرکت ملی نفت ایران به شرکت ها و واحدهای خصوصی!

خبرگزاری رویتر، در ادامه گزارش خود، افزوده است: «مقامات مسئول در امور نفتی جمهوری اسلامی متذکر شده اند که، هدف، تمرکز زدایی از شرکت ملی نفت ایران است، تا بدین وسیله امکان مشارکت برای سرمایه گذاران داخلی و خارجی در طرح های نفت و گاز ایران فراهم شود.» در همین رابطه، مجله فرانسوی اکسپرس نیز در اواسط ژانویه ۱۹۹۹ میلادی، دی ماه ۱۳۷۷ خورشیدی، طی انتشار مطلبی پیرامون صنعت نفت و گاز ایران، متذکر شد که، باتوجه به بحران مالی شدیدی که جمهوری اسلامی با آن دست به گریبان است، شرکت نفتی توتال، به عنوان اولین شرکت خارجی، با انعقاد قراردادی با ایران به منافع سرشاری دست یافته است. جزیره کوچک سیری، در خلیج فارس، به سمبل گشایش درهای ایران بروی غرب، بدل گردیده. سپس این مجله فرانسوی، با بررسی شرایط

گزارش «کمیته تحقیق» پاسخ به خواست مردم یا تلاش زیرکانه ای برای سرپوش گذاشتن بر واقعیات و حفظ «نظام»

بر اساس گزارش خبرگزاری جمهوری اسلامی (ایرنا)، «کمیته تحقیق شورای عالی امنیت ملی ایران» نخستین گزارش خود را پیرامون «حادثه تهاجم به کوی دانشگاه تهران» منتشر کرد. گزارش منتشر شده با عکس العمل های متفاوتی از سوی محافل و شخصیت های سیاسی - اجتماعی کشور روبه رو گردید. جناح طرفداران خاتمی انتشار این گزارش را، که در آن جانشین فرماندهی نیروی انتظامی و شمار دیگری از فرماندهان انتظامی به «رفتار های غیر مدیرانه» متهم شده اند، گامی به پیش ارزیابی کرد و شماری از نمایندگان جناح «دوب در ولایت» انتشار گزارش کمیته تحقیق را نتیجه «فشار وارده» اعلام کردند. حمید رضا ترقی، نماینده مجلس شورای اسلامی از مشهد، و از چهره های سرشناس جناح خامنه ای، در مصاحبه ای با روزنامه نشاط در این زمینه ضمن انتقاد از کامل نبودن گزارش از جمله گفت: «برخی موارد یا نباید ذکر می شد و یا وقتی اشاره شده است بایستی افراد و گروه های مرتبط

ادامه در صفحه ۶

با هم به سوی تشکیل جبهه واحد ضد دیکتاتوری

برای آزادی، صلح، استقلال، عدالت اجتماعی، و طرد رژیم «ولایت فقیه»!



نقش مردم در حکومت اسلامی

مصباح یزدی، نظریه پرداز رژیم ولایت فقیه، به دنبال سلسله مباحث خود درباره حکومت اسلامی و نقش مردم در این حکومت، چندی پیش، در خطبه های نماز جمعه تهران، در ادامه همین بحث ها، با مطرح کردن این پرسش که، آیا در اسلام شکل خاصی برای حکومت تعیین شده یا تعیین آن به عهده مردم یا افراد خاصی گذاشته شده است، گفت: «افرادی آگاهانه یا ناآگاهانه مطرح می کنند که اسلام شکل خاصی برای حکومت تعیین نکرده پس مردم هستند که شکل حکومت را ترسیم می کنند و همین مردم می توانند قانون تصویب کنند.» وی افزود: با طرح این ابهام، نتیجه می گیرند: «اینکه گفته می شود حکومت از طرف خدا تعیین شود، با خواست اسلام در تناقض است.» وی گفت: «در پاسخ به این ابهامات می گویم که مادعا نداریم اسلام ساختار حکومت را تعیین کرده است و مملکت اسلامی بودن نظام ما به این نیست که تعیین ساختار آن، از طرف خداوند باشد.» وی سپس نتیجه گیری کرد که، تعیین نکردن شکل حکومت برای همه زمان ها، نقص اسلام نیست، چرا که اسلام این اختیار را به ولی امر مسلمین (بخوان ولی فقیه) داده که با توجه به مبانی و ارزش های کلی اسلام و مصلحت نظام حکم دهد. مصباح یزدی در پایان، ضمن رد نقش مردم در اداره حکومت، تصریح کرد: «اگر ساختار حکومت در اسلام تعیین نشده معنایش این نیست که این اختیار به مردم واگذار شده، ما در اسلام در هر موضوعی گاهی احکام الزامی اثباتی داریم و گاهی احکام نحوی که باید به ترتیب آنها را اجرا و یانهی کرد.»

وظایف ناصحین و ضابطین امر به معروف و نهی از منکر

ابراهیم رازینی، معاون فرهنگی ستاد امر به معروف و نهی از منکر رژیم ولایت فقیه، در مورد این فریضه اسلامی گفت: «ناآگاهی افکار عمومی نسبت به اثرات اجتماعی امر به معروف و نهی از منکر و عدم حمایت جدی دستگاه های اجرایی، مهم ترین موانع احیاء این فریضه در کشور است.» وی افزود: «سم پاشی دشمنان خارجی و عوامل مغرض داخلی نسبت به عامل خشونت معرفی کردن فریضه امر به معروف و نهی از منکر از دیگر عوامل بازدارنده احیاء این فریضه است.» رازینی اضافه کرد: «امر به معروف و نهی از منکر توسط ناصحین و ضابطین، اعمال خشونت پسندیده نیست ولی خشونت به معنای اجبار و شدت عمل برای تحقق اهداف هر نظام و جامعه لازم و کارساز است.» به گفته وی، اساس هیچ نظامی متکی بر خشونت نیست، لیکن در مقابل افراد متمرکز از قانون لازم و کارساز است. وی باز هم در تایید

اعمال اقدامات سرکوبگرانه ادامه داد: «اجرای این فریضه یک مرحله زبانی و ارشادی دارد و چنانچه موثر نیفتد دستگاه های مسئول وظیفه دارند با افراد متمرکز برخورد کنند.»

این قسمتی از سخنان رازینی است که روزنامه کار و کارگر، ۳ تیرماه، آن را به چاپ رسانده است. در همین رابطه، مصباح یزدی، در نماز جمعه تهران، تاکید کرد در مسیر برقراری نظم و امنیت در جامعه، و حفظ کشور از تعرضات خارجی و آشوب های داخلی، قوه مجریه طبعاً باید از قوه قهریه استفاده کند، زیرا برخورد با مهاجمان و آشوب طلبان با مهربانی و آرامی امکان ندارد.

طرفداران ذوب در ولایت، اوباشان تحت امر ولی فقیه، که نویسندگان را به قتل می رسانند، آزادی خواهان را تکه تکه می کنند، به تجمع های سیاسی و فرهنگی حمله می کنند، و دانشجویان آزاده را به جرم دفاع از آزادی از پنجره به بیرون پرتاب کرده و آنها را به قتل می رسانند و مورد ضرب و شتم قرار می دهند، ناصحین و ضابطین امر به معروف و نهی از منکر می نامند. سخنان این مسئول «فرهنگی» و سخنان مصباح یزدی را از زاویه بحرانی باید بررسی کرد که هم اکنون دامن رژیم ولایت فقیه و طرفدارانش را گرفته است. رژیم ولایت فقیه، در برابر خشم روزافزون توده های به عصیان آمده، تنها چاره را در آن یافته که در مقابل رشد روزافزون جنبش مردمی شمشیرها را از رو بسته و علناً به دفاع از خشونت در چارچوب قوانین شرعی بپردازد. اما سوال اساسی این است که، وقتی دست اندرکاران درجه یک رژیم ولایت فقیه این گونه وقیحانه از خشونت دفاع می کنند، معلوم نیست اتهامات شان بر ضد دانشجویان و سرکوب و دستگیری آنها به جرم به اصطلاح خشونت و ایجاد بی نظمی را چگونه می باید توجیه کرد.

نامه همسر کاظم شکری، روزنامه نگار زندانی رژیم ولایت فقیه

روزنامه همشهری، نامه بی از همسر کاظم شکری، روزنامه نگاری که توسط رژیم ولایت فقیه زندانی شده است، را چاپ کرده است. این نامه از آن جهت جالب است که، نشان می دهد بررغم ادعای سران ضد مردمی رژیم، دستگیر شدگان نه از جاسوسان، ضدانقلاب، عوامل بیگانه و جز آن، بلکه حتی در موارد بسیاری از نیروها و شخصیت هایی اند که در سابق از زمره نیروهای خودی بوده اند.

همسر کاظم شکری می نویسد: «چند روز پیش که بقیچه لباس هایت را برای زندان آماده می کردم به یاد روزی افتادم که بقیچه ات را برای جبهه غرب آماده می کردم. بی اختیار به سراغ قفیه و پلاکت رفتم. هنوز آنها را با خود دارم. گریه ام گرفت، ولی باور کن هرگز اشک هایت را به بچه هایت نشان ندادم.» همسر کاظم شکری، روزنامه نگار زندانی رژیم ولایت فقیه، درجایی دیگر می نویسد: «همسر عزیزم! من به «نبودن» تو عادت کرده ام. چشمان من و بچه ها همیشه به دنبال انتظار است و اینها بخشی از زندگی من است. مگر نه این است که همواره تا پاسی از شب باید ما منتظر و بیدار بمانیم تا برگردی.» وی ادامه می دهد: «می دانم که از گفته ها و نوشته هایم رنج خواهی کشید، چون می دانم و دوستانت هم می دانند که تو اهل بروز این حرف و حدیث ها نیستی، مجبورم تا بگویم تو برای لحظه لحظه انقلاب آرام نگرفتی، حتی مجبورم تا شهادت دهم تو مسلمانی!» همسر کاظم شکری درجایی دیگر می نویسد: «خاطر مادر شهید عبدالمهدی هم آزرده است، مادری که هر دو فرزندش را تقدیم انقلاب عزیزمان کرد و تو افتخار فرزندی او را داری. اینک تو در زندانی و من در لحظه های تو اسیر، به نماز می ایستم، به اقتدای تو... برایت دعا می کنم و به یکرنگی و صداقت و پاکتی ات شهادت می دهم.»

نیروهای خودی و غیر خودی

روزنامه ابرار، طی مقاله ای در تشریح نیروهای خودی و غیر خودی، می نویسد: «مساله غیر خودی ها از روزی شروع می شود که «خود» وجود داشته است. طبیعتاً اگر ما برای خودمان، خودیتی قائل شدیم، غیر خودی هم پیدا خواهد شد. جای تعجب است که چگونه کسانی منکر تقسیم جریان های اجتماعی و سیاسی به خودی و غیر خودی می شوند. آنان که منکر غیر خودی ها هستند در حقیقت منکر هویت خود شده اند.» ابرار در ادامه می نویسد: «از نظر حقوق شهروندی هیچ تفاوتی بین خودی و غیر خودی، به معنایی که مورد بحث است، وجود ندارد. اصل ۱۹ قانون اساسی به صراحت می گوید: مردم ایران از هر قوم و قبیله که باشند از حقوق مساوی برخوردارند و رنگ، نژاد، زبان و مانند اینها سبب امتیاز نخواهد بود.» ادامه می دهد: «تنها سود این تقسیم بندی در حفظ هویت خود است. وقتی انسان خود را بی رنگ دید ممکن است به هر رنگی در آید. فراموش کردن غیر خودی ها، فراموش کردن نفوذی ها و دشمنی هاست و ملتی که گرفتار این فراموشی شود قبل از هر چیز «خود» را باخته است. خود باختگی است که ما را در برابر دشمن تسلیم می کند و دشمن چه خارجی باشد چه درونی از همین نقطه حرکت خود را آغاز خواهد کرد. خودی دیدن غیر خودی ها اولین گام نابودی خود است. نباید در شناخت دشمن و غیر خودی غفلت کرد.»

ادامه ۲۸ مرداد ...

انگلیس، سهمیم شدن آمریکا در نفت ایران را پذیرفت مجله تایم چاپ آمریکا نوشت: «اختلاف آمریکا و انگلیس بر سر جانشین مصدق است.» به این ترتیب زمینه های توطئه بر ضد جنبش ضد امپریالیستی مردم ایران وارد مرحله ای جدید گردید که در نهایت منجر به کودتای ننگین ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ شد. با سقوط دولت مصدق، موج دستگیری ها و سپس اعدام ها که در پیشاپیش آنها رزمندگان توده ای قرار داشتند سراسر کشور را فراگرفت. با سرکوب جنبش مردمی، در ۲۸ شهریور ۱۳۳۳ قرارداد نفت با کنسرسیوم توسط امینی وزیر دارایی کابینه زاهدی به امضار رسید. رژیم کودتا با امضای این قرارداد خیانت عظیمی به مصالح ملی خلق های ایران کرد. دکتر مصدق گفت: «کمونیسم را بهانه کردند برای اینکه ۴۰ سال دیگر از معدن نفت ما سوء استفاده کنند و ملت ایران را از آزادی و استقلال محروم نمایند.» نتایج شوم این کودتا و سرکوب خونین جنبش ملی و آزادی خواهی اثرات عمیق و دیرپایی را در سرنوشت میهن ما برجای گذاشت. کودتای ۲۸ مرداد لکه ننگی است که برای همیشه در آذهای توده های محروم ایران به جا خواهند ماند، و از این تجربه خونبار، در جهت شناخت دوستان و دشمنان خود، در آینده استفاده خواهند کرد.

کودتای ۲۸ مرداد: سرکوب جنبش، برای غارت بیشتر

«گمان می‌کنم امروز صبح در روزنامه خوانده‌اید که مصدق توانست برپارلمان فائق آید و خود را از آن خلاص سازد. البته مصدق در این اقدام از حزب کمونیست (توده) ایران استفاده می‌برد. تمام این اوضاع آن صفحات برای امریکا شوم و نحس است. زیرا اگر دنیا این نقاط را از دست بدهد چگونه می‌تواند امپراطوری ثروتمند اندونزی را نگاه دارد. در این صورت ملاحظه می‌کنید که این راه رادرجایی باید مسدود کرد و دیرباز دباستی مسدود گردد و ماصمم به این کار هستیم.»

آیزنهاور، رئیس جمهوری وقت آمریکا

چهل و شش سال پس از کودتای ننگین ۲۸ مرداد، امروز کمتر گوشه و زاویه‌ای از جنایت و حیانت این حرکت ضد ملی، که توسط امپریالیسم و ایادی داخلی اش سازمان دهی شد، در برده ابهام باقی مانده است. سخنان بالا که توسط رئیس جمهوری وقت آمریکا چندی قبل از این کودتای جنایتکارانه زده شد تأییدی برای نکتته است که امپریالیسم و ایادی داخلی اش هراسناک از حرکت های مردمی که در جهت مخالف منافع غارتگرانه آنها به طرف جلو پیش می‌رفت ضرورت یک اقدام جدی و فوری را در دستور کار قرار دادند.

پس از کودتای ننگین ۲۸ مرداد ۱۳۳۲، بسیاری از وابستگان و مزدوران امپریالیسم سعی کردند تا این دروغ را به باور عمومی به قبولانند که این حرکت خیانت کارانه فقط به منظور جلوگیری از خطر نفوذ کمونیسم و مانع شدن اتحاد شوروی برای رسیدن به «آب های گرم» بود. حقیقت آن است که نفوذ استعمار بخصوص استعمار انگلیس در ایران نه از زمان تاسیس اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی، که بسیار پیشتر از آن در کشور ما وجود داشت و طی همه این سالها در نبود یک وزنه قدرتمند بین المللی و مقاومت نیرومند داخلی، استعمارگران با انواع ترفندها به غارت منافع ملی ایران پرداختند. آن چیزی را که امپریالیست ها «خطر کمونیست» می‌نامیدندش در واقع رشد تفکرات انقلابی بود که هدف آن آگاهی دادن به توده هادرجهت مبارزه برای منافع تمامی خلق بود. پیروزی انقلاب اکتبر در همسایگی میهن ما به دلیل نفوذ و رشد همین اندیشه های انقلابی بود که باعث هراس مرتجعان داخلی و اربابان استعمارگراشان گردید.

امپریالیسم و ایادی داخلی اش، هرگاه که سدی در مقابل برنامه های غارتگرانه خود می‌دیدند، به انواع حیل و جنایات متوسل می‌شدند و تمامی کوشش خود را در جهت برداشتن چنین سد هایی از پیش راه خود به کار می‌بردند. به عنوان نمونه، موقعی که رضاشاه تدارک قرارداد خائنانه ۱۹۳۳ (۱۳۱۲) با شرکت نفتی انگلیسی را می‌دید هیچ سازمان سیاسی و یا شخصیت ملی نبود که ضد آن اعتراض کند جز کمونیست های ایران، که به تنهایی با شرکت استعماری انگلیس مبارزه می‌کردند و ماهیت آن را به مردم ایران می‌شناسانیدند. با توجه به گسترش فعالیت ضد امپریالیستی و ملی حزب کمونیست ایران بود که رضاشاه بنا به توصیه اتلیجنس سرویس انگلیس، درست در موقع تدارک قرارداد خائنانه ۱۹۳۳، هجوم گسترده ضد کمونیستی خود را آغاز کرد و در ۱۳۱۰ دقیقه در همان سالی که امضای قرارداد ۱۹۳۳ تدارک دیده می‌شد قانون سیاه ضد کمونیستی را به تصویب رساند. این قانون ضد کمونیستی مستقیماً با امتیاز ۱۹۳۳ مربوط است. در سوم شهریور ۱۳۲۰ با ورود قوای متفقین به ایران رژیم پושالی رضاخانی یکشنبه فروریخت، مردم با بسیاری حقایق تلخ دوران رضاخانی آشنا شدند و از جمله دریافتند که قرارداد ۱۹۳۳ قرارداد خائنانه و ضد منافع میهن است. کینه و نفرت بر ضد شرکت نفت انگلیس رفته رفته اوج گرفت. در کار روشن گری مردم و افشای استعمار انگلیس، نقش اصلی را حزب توده ایران برعهده داشت. در نیمه جنگ دوم جهانی، زمانی که استعمارگران انگلیسی احساس کردند که پیروزی متفقین بر ماشین جنگی هیتلری محتمل و نزدیک است، نقشه تشکیل امپراطوری نوین بریتانیایی را کشیدند، که مرکز آن می‌بایست در خلیج فارس باشد و مرکز ثقل آن رانفت خلیج فارس و قدرت شرکت نفت انگلیس و ایران تشکیل دهد. ظواهر مریه سود آنها بود، اما همه حساب هافقط در روی کاغذ و یاد دقیق تر بگویم برای مدت کوتاهی درست بود. استعمارگران انگلیسی تحولی را که در جهان به وقوع می‌پیوست درک نمی‌کردند. مهم ترین نیرویی که پس از شهریور ۲۰ در ایران برابر استعمار انگلیس قد علم کرد و توطئه های آن را نقش بر آب ساخت حزب توده ایران بود. مهم ترین پیامد سوم شهریور و فروپاشی دیکتاتوری رضاخانی، بیداری

توده مردم و تشکل طبقاتی و ملی ضد امپریالیستی بود. زیر رهبری حزب توده ایران، جنبش توده هاسمت آشکار ضد استعماری، از جمله ضد انگلیسی به خود گرفت. حزب توده ایران، از نخستین روزهای تشکیل خود، متوجه اهمیت نفت ایران بود، که از جانب شرکت استعماری انگلیس غارت می‌شد. تحت رهبری حزب توده ایران بزرگ ترین اعتصاب کارگران نفت، که توسط نیروهای عشایر و اوایل مسلح وزیر فشار نیروهای نظامی دولتی و قوای انتظامی به خون کشیده شد کاری ترین ضربتی بود که آن زمان به شرکت نفت سابق وارد آمد. این اقدام، جزئی از کل جنبش انقلابی ضد امپریالیستی و دموکراتیک مردم بود که در همان وقت، سرتاسر کشور را فرا گرفته و موفق شده بود در آذربایجان و کردستان حکومت های محلی به وجود آورد، و در سایر مناطق کشور توده های وسیع کارگران و دهقانان را به میدان نبرد بکشاند، و چنان مسایل ریشه ای و شعارهای طبقاتی و ضد امپریالیستی مطرح سازد که تاریخ ایران به یاد داشت. رهبری این جنبش با حزب توده ایران بود، و موفقیت آن می‌توانست به معنای انهدام کامل وی بی بازگشت همه پایگاههای امپریالیسم و ارتجاع در کشور ما باشد. گم شدن مسئله نفت در محیط وحشت و ارعاب پس از شکست جنبش دموکراتیک مردم ایران (سرکوب جنبش کردستان و آذربایجان) جنبه کاملاً موقتی داشت. مردم ایران در سال های پس از شهریور ۲۰ با غارتگری شرکت استعماری نفت انگلیس و به طور کلی با جنایت های استعمار در میهن ما پیش از آن آشنا بودند که بتوانند این مسئله را فراموش کنند. در سال های شکست نهضت دموکراتیک ایران، و بلافاصله پس از آن، هنوز امپریالیست های انگلیسی و امریکایی نتایج جنگ را در معامله میان خود جمع بندی نکرده و حساب خود را تسویه نکرده بودند. امپریالیست های امریکایی با قدرتی که، در طی جنگ جهانی دوم به هم زده بودند، اصرار داشتند که، بخشی از مواضع انگلستان را در ایران و خاور میانه اشغال کنند. در روزی ۱۵ بهمن و غیر قانونی اعلام کردن حزب توده ایران و دستگیری گروهی از رهبران حزب به جرم سو قصد به جان شاه، مذاکرات پنهانی نفت موسوم به گس - گلشائیان آغاز شد. رشد افکار عمومی، بر اثر فعالیت افشاگرانه حزب توده ایران، و تضادهای امپریالیست ها، و دیگر عوامل، بازم مانع شد تا این قرارداد به انجام برسد. سرانجام شعار ملی شدن صنعت نفت در سرتاسر کشور در ۱۵ آبان ماه ۱۳۲۹ در شورای عالی جبهه ملی، به تصویب رسید، که یکی از پیروزی های بزرگ نهضت ضد امپریالیستی مردم ایران است. به این ترتیب ضرورت انتقال قدرت از دست چهره های سرشناس هزار فامیل به دست عناصر مترقی و ملی مورد اعتماد مردم، در همه جا احساس می‌شد. به این ترتیب در اردیبهشت ۱۳۳۰ دکتر محمد مصدق پیشنهاد نخست وزیری را قبول کرد، و پس از آن مجلس را واداشت که قانون مربوط به طرز اجرای اصل ملی شدن نفت را تصویب کند. با تصویب لایحه ملی شدن صنعت نفت در مجلس سنا زیر فشار افکار عمومی در ۱۰ اردیبهشت ۱۳۳۰، جنبش آزادی بخش ملی خلق های ایران به مرحله تازه ای گام نهاد. با تعمیق و رشد جنبش مردمی، صفوف نیروهای انقلاب و ضد انقلاب بیشتر نمایان می‌شد، و به موازات آن هراس امپریالیست ها هم بیشتر می‌گردید. عناصر خائن و راست در جبهه ملی بتدریج از آن جدا گردیدند، و پشتیبانی حزب توده ایران از دکتر مصدق هر روز بیشتر می‌شد. تصمیم قاطع مصدق برای اجرای ملی شدن نفت بزرگترین محافل امپریالیستی و انحصارات انگلیسی و امریکایی نفت افزود. مقامات امریکایی به طور صریح با ملی شدن نفت ایران مخالفت کردند. روز ۲۹ خرداد ۱۳۳۰ دکتر مصدق پس از مذاکرات بی نتیجه با شرکت غارتگر نفت انگلیس دستور خلع ید از شرکت مزبور را صادر کرد. با توجه به اوضاع و تحولاتی که منجر به ضرباتی اساسی به امپریالیسم انگلیس گردیده بود، انگلیسی ها توافق را با آمریکا، مبنی بر سهیم شدن آنها در نفت ایران پذیرفتند. پس از یک هفته که آیدن، وزیر امور خارجه وقت

ادامه در صفحه ۲

آزادی برای همه زندانیان سیاسی ایران!

ادامه مبارزه کارگران با وجود تشدید فشار و ...

خود، در برابر اداره کل کار استان گیلان تجمع اعتراضی تشکیل داده، و خواستار توقف برنامه اخراج هاشده اند.

روزنامه رسالت، به تاریخ ۲۹ فروردین ماه، خبر از تجمع و سپس درگیری در شرکت کشت و صنعت کارون شهر شوشتر داد. بنا به گزارش این روزنامه، هزاران نفر، که اغلب آنها را بیکاران تشکیل می دادند، ضمن تجمع در برابر در اصلی این مجتمع، با سردادن شعارهایی، با چوب و سنگ درب و پنجره و شیشه دفاتر شرکت مذکور را شکستند.

همین روزنامه، در یک خبر دیگر، در ۱۲ اردیبهشت ماه، جریان اعتصاب و کم کاری در شرکت واحد اتوبوس رانی تهران را منعکس ساخت. رسالت، از جمله نوشت: «گزارش های رسیده از سطح شهر تهران حاکی است که، رانندگان شرکت واحد روز شنبه در برخی خطوط از سوار کردن مسافری خودداری کرده و به نوعی اعتصاب محدود اقدام کرده بودند.»

روزنامه کارو کارگر، در ۲۵ اردیبهشت ماه، گزارش داد که، وضعیت مراکز صنعتی و کارخانجات در سمنان بحرانی است. کارگران و زحمتکشان در سمنان، با پریایی تظاهرات مختلف، مخالفت قاطع خود را با واگذاری بیمارستان ۱۶۰ تختخوابی سازمان تامین اجتماعی به بخش خصوصی، اعلام داشتند. روزنامه کار و کارگر، در هراس از گسترش مبارزات کارگری و تبدیل آن به خیزش همگانی در سطح سمنان، در مطلبی هشدارگونه خطاب به مسئولان رژیم نوشت: «آقایان از کاشان عبرت بگیرید.»

در استان اردبیل، سیاست اخراج کارگران به بهانه افزایش تولید و سودآوری، منجر به درگیری میان زحمتکشان و مدیران و کار فرمایان گردید.

در اوایل اردیبهشت ماه، حکم اخراج بیش از ۲۰۰ تن از کارگران کارخانه لاستیک سازی آرتاویل، واقع در اردبیل، از سوی مدیریت این کارخانه صادر، و کارگران بدون دریافت حقوق و مزایای قانونی، اخراج شدند. این عمل با واکنش اعتراض آمیزی کارگران روبه رو گردید، و به درگیری شدید انجامید، که با دخالت نیروهای انتظامی و بسیج و دستگیری عده یی از کارگران، خاتمه یافت.

از جمله حرکات اعتراضی چشمگیر و حائز اهمیت در نخستین ماه های اخیر، اعتراضات متعدد کارگران و کارمندان شرکت ملی نفت ایران است. این اقدامات، به ویژه در استان خوزستان و منطقه اهواز، قابل ملاحظه بود. نکته بسیار پر اهمیت در این اعتراضات، خواست سنجیده و هوشیارانه کارکنان شرکت ملی نفت ایران در مقابله با سیاست و برنامه خصوصی سازی در صنایع نفت و گاز است. رژیم ولایت فقیه، طرحی ضد ملی را مبنی بر واگذاری بخش هایی از صنعت نفت و گاز به بخش خصوصی و سرمایه های خارجی، و یا به بیان روشن تر انحصارات فراملی، تهیه دیده است. این برنامه، در چارچوب ایجاد امنیت برای سرمایه گذاری خارجی و فعال کردن بخش خصوصی، تدارک دیده شده، و کاملاً در مغایرت با منافع ملی و حقوق سزاوار مردم ایران قرار دارد. کارکنان صنایع نفت و گاز نخستین قربانیان چنین برنامه یی اند. در این زمینه، رفسنجانی، رئیس مجمع تشخیص مصلحت نظام، چندی پیش در جریان خطبه های نماز جمعه تهران، صراحتاً تأکید کرده بود: «باید فضای امن را هر چه بیشتر فراهم آوریم تا صاحبان سرمایه به میدان آیند و از ظرفیت های موجود اقتصادی استفاده کنند. واگذاری بخش هایی از صنایع کلیدی و مادر در اقتصاد ملی مانند صنعت نفت و گاز در راستای ایجاد «فضای امن» قابل ارزیابی است!»

از این رو، اعتراضات آگاهانه و بسیار سنجیده کارکنان صنایع نفت و گاز فوق العاده مهم و شایان توجه جدی است.

علاوه بر نفتگران، کارکنان شرکت نیشکر هفت تپه نیز، در اعتراض به سطح پایین دستمزدها، و برای جلوگیری از اخراج ها و بازنشسته کردن اجباری کارکنان، دست به اعتصاب زدند. روزنامه سلام، ۸ خرداد ماه، خبر این اعتصاب را منتشر ساخت.

در اهواز، بیش از ۱۰۰ نفر از کارگران شرکت لوله سازی خوزستان، در اوایل خردادماه، در اعتراض به قراردادهای موقت و سطح پایین دستمزدها، در مقابل دفتر مدیریت این مرکز صنعتی تجمع کرده و خواهان رسیدگی مسئولان به مطالبات خود شدند.

از دیگر حرکات های اعتراضی پراهمیت، باید به اعتراض کارکنان بخش کوره بلند ذوب آهن اصفهان اشاره کرد. خواست اصلی کارگران این بخش از مجتمع ذوب آهن اصفهان، افزایش سطح دستمزدها، طرح طبقه بندی مشاغل و ایجاد تشکل های مستقل صنفی بود. در اصفهان، علاوه بر ذوب آهن، کارگران کارخانه گازیهای نیز در اعتراض به وضعیت اسف بار بیمه های درمانی و تمدید نشدن

دفترچه های بیمه خود و خانواده هایشان، با پریایی یک راه پیمایی، در برابر استانداری اصفهان تجمع کردند. این تجمع با دخالت نیروهای انتظامی و بسیج پایان یافت.

همچنین کارگران کارخانه ریسندگی و بافندگی صنایع پشم اصفهان، با یک اعتصاب سازمان یافته و هماهنگ، خواستار افزایش سطح دستمزدها، پرداخت باموقع دستمزدها و ایجاد تشکل های مستقل صنفی شدند.

در اواخر خردادماه، صدها تن از کارگران شرکت نقش ایران، در قزوین، با مسدود کردن در اصلی کارخانه، پرداخت دستمزدهایشان را مطالبه کردند. کارگران کفش آزادان، واقع در شهر صنعتی الیز قزوین، طی ارسال نامه اعتراض آمیزی که در روزنامه کار و کارگر به چاپ رسید، حقوق و مزایا و عیدی و پاداش پرداخت نشده شان، از تاریخ دی ماه سال گذشته، را طلب کردند.

کار و کارگر، ۲ تیرماه، طی خبری اعلام داشت: «کارگران خدماتی بیمارستان امدادی ابهر در اعتراض به عدم پرداخت حقوق سه ماهه سال جاری خود دست از کار کشیدند. این عده که تعداد آنها به ۴۰ نفر می رسد خواستار رسیدگی به مشکل عدم پرداخت حقوق معوقه خود شدند.»

کارگران قهرمان کارخانه جهان پیت کرج، که وابسته به بنیاد مستضعفان است، باخواست هایی مشخص همچون، افزایش سطح دستمزدها، بهبود شرایط بهداشتی و ایمنی محیط کار و جلوگیری از اخراج ها، دست به کم کاری و اعتصابات کوتاه مدت زدند. سطح همبستگی میان کارگران در کارخانه جهان پیت ستایش انگیز بود.

کار و کارگر، دوشنبه ۷ تیرماه، گزارش داد که، شرکت چهار کاف، تولید کننده کیسه های کاغذی در شهر کرمان، طبق دستور مدیریت عامل این شرکت، تعطیل اعلام شد، و چهل و چهار تن از کارگران این کارخانه بیکار شدند. قبلاً ۱۵ تن از کارگران این کارخانه اخراج شده بودند. گفته می شود که مدیریت عامل شرکت تهدید کرده بود که، چنانچه حکم بازگشت به کار این کارگران توسط اداره کل کار استان صادر شود، این شرکت را تعطیل خواهد کرد.

در یک اقدام اعتراضی گسترده در ساوجبلاغ، کارگران کارخانه های فراسا، روز شنبه ۱۲ تیرماه، در یک راه پیمایی به طول هشت کیلومتر، از کارخانه تا فرمانداری، خواهان حقوق خویش و دریافت مزایا و دستمزدهای عقب افتاده خود شدند. از خبر روزنامه کار و کارگر چنین بر می آید که، علت این راه پیمایی اعتراضی، علاوه بر موارد ذکر شده در بالا، اعتراض به اقداماتی است که بر اساس آن قرار است تعداد زیادی از کارگران را به بهانه کم کاری از کار اخراج کنند.

باتوجه به آنچه اشاره شد، و بر پایه گزارشات فوق الذکر، این واقعیت خودنمایی می کند که، جنبش کارگری-سندیکیایی ایران، برغم ضعف های جدی خود همچون سطح پایین ارتباطات و همبستگی و عدم انسجام کافی و نبود یک مرکز صنفی هماهنگ کننده و هدایت گر در مقیاس کشور، از رشد و گسترش قابل قبولی برخوردار بوده، و در یک کلام، کارگران مبارزه خود را تشدید کرده اند. تشدید مبارزه از سوی جنبش کارگری-سندیکیایی، سبب نگرانی جدی رژیم ولایت فقیه شده است. بی جهت نیست که، پس از به عقب نشینی وادار کردن مجلس ارتجاع توسط کارگران که منجر به مسکوت ماندن طرح تغییر قانون کار به سود سرمایه داران شد، جمهوری اسلامی دست به تبلیغات وسیع در زمینه های مختلف زده است. هدف، مهار و خنثی کردن جنبش اعتراضی کارگران و زحمتکشان است. در همین رابطه سخنان رفسنجانی، در جریان گرد همایی ائمه جماعات واحدهای کارگری و تشکل های فرهنگی کارگران، جالب توجه و گویای هراس سران رژیم از گسترش مبارزات کارگری است. رفسنجانی از جمله گفت: «اگر کارگران را از دیگر اقشار جامعه جدا کنیم چیزی نخواهد ماند... دشمنان در بیست سال گذشته در تلاش بودند تا کارگران را از بدنه نظام جدا کنند، اما پیوند جامعه کارگری با نظام بسیار مستحکم است.»

آنچه رفسنجانی و شرکایش را وادار به چنین سخنانی، آن هم در این شرایط، می کند، چه چیزی جز تشدید مبارزه، و احساس خطر از ناحیه این مبارزه برای بقاء رژیم، می تواند باشد!

گسترش مبارزات طبقه کارگر و دیگر زحمتکشان، در شرایط کنونی، فوق العاده با اهمیت تلقی می شود. حضور سازمان یافته و متشکل در میدان مبارزه سیاسی در راه طرد رژیم ولایت فقیه، ضامن معتبری برای کامیابی بیکارمترشد و سراسری مردم میهن ماست. تلاش های تب آلوده و برنامه ها و ترفند های رژیم برای مهار و سپس سرکوب جنبش کارگری - سندیکیایی، از این واقعیت سرچشمه می گیرد.

ادامه طرح تجدید سازمان دهی ...

برپایه این طرح، شرکت ملی نفت ایران، به شرکت های کوچکی که مطمئناً در راس اغلب آنها عده یی از سردمداران رژیم و خانواده و دوستانشان قرار خواهد گرفت، تقسیم می شود. چنین شرکت هایی، که البته نیز خصوصی اند، طرف اصلی مناقصه با وزارت نفت قرار می گیرند، و پس از موفقیت در به اصطلاح مناقصه، به عنوان پیمانکار دست اول، با انحصارات نفتی فراملی و شرکت های خارجی وارد گفتگو شده، و با اخذ رشوه، پروژه های خود را با قیمت بسیار نازل و صد درصد مغایر با حقوق مردم و منافع ملی ایران، به خارجیان واگذار می کنند، و به این ترتیب به نام جلب و جذب سرمایه خارجی و تزریق ارز به صنایع نفت و گاز، ثروت ملی را به باد می دهند.

نمونه های کاملاً گویای چنین طرحی، تاسیس چند شرکت خصوصی و نیمه خصوصی مرتبط با شرکت ملی نفت ایران است. «شرکت مهندسی نفت فلات قاره ایران» (IOEC) و شرکت «بهره برداری از ذخایر نفتی» (PEDEC) از آن جمله اند. مدیریت عاملی این دو شرکت خصوصی و نیمه خصوصی با مهدی هاشمی، فرزند هاشمی رفسنجانی، است.

برای آنکه به ژرفای خیانت به منافع ملی، تحت نام جذب سرمایه خارجی، بهتر پی ببریم، سخنان اخیر معاون وزیر نفت در امور بین المللی، شایان توجه جدی است. معاون وزیر نفت، ماه گذشته، در جریان اعلام آمادگی جمهوری اسلامی برای گفتگو با انحصارات فراملی، از جمله یاد آورد: «شرکت های خارجی از جمله شرکت بزرگ شل آمادگی خود را برای مشارکت در طرح توسعه میدان برون ساحلی به نام سروش اعلام کرده اند، که به زودی تصمیم گیری نهایی اعلام خواهد شد.»

ارزش قرارداد توسعه میدان نفتی سروش بالغ بر ۱۳۰ میلیون دلار است. شرکت شل در این مشارکت، نه با شرکت نفت ایران، بلکه با یک شرکت نوظهور خصوصی ایرانی وارد گفتگو شده است، زیرا توسعه میدان نفتی سروش به یک شرکت خصوصی ایرانی واگذار شده بود. طبق گزارش رسانه های خارجی، یکی از دو شرکت خصوصی تحت مدیریت فرزند رفسنجانی، پیمانکار دست اول طرح نفتی سروش است، که به نام مشکلات مالی، پروژه را به خارجیان واگذار می کند.

هفته نامه پترولیوم آرگوس، چاپ لندن، در سال گذشته، خبری مبنی بر اعلام آمادگی چندین بانک خارجی برای کمک به نیازهای مالی پروژه های نفت و گاز ایران منتشر ساخت. به علاوه، در جریان کنفرانس اخیر در ارتباط با نفت و گاز ایران، که در لندن برگزار شد، ادوین چاپلین، مدیر اداره خاورمیانه وزارت خارجه انگلستان، رسماً اعلام کرد که دولت متبوع او، از سرمایه گذاری در پروژه های نفت و گاز ایران جدا حمایت می کند. نکته فوق العاده پراهمیت در جریان کنفرانس لندن، نظرات و پیشنهادات مقامات رسمی رژیم ولایت فقیه در مورد صنایع نفت و گاز کشور است، که محتوی و مضمون طرح تجدید سازمان دهی را آشکار می سازد. یکی از سخنرانان اصلی کنفرانس فوق، علی شمس اردکانی، دبیر کل سابق اتاق بازرگانی و عضو ارشد شورای تدوین برنامه سوم توسعه، و از مبتکران و طراحان خصوصی سازی سریع و ژرف در اقتصاد ایران بود. وی صراحتاً، پیشنهادات رژیم ولایت فقیه را، به عنوان شرایط ویژه برای سرمایه گذاری خارجی، در کنفرانس اعلام کرد. روزنامه اطلاعات بین المللی، به تاریخ ۱۰ تیرماه ۱۳۷۸، در گزارشی از کنفرانس لندن، بخشی از سخنان شمس اردکانی را انتشار داد، از جمله: «بزودی امکان مشارکت در تولید نفت در ایران برای شرکت های خارجی به وجود خواهد آمد و در آینده موفقیت برای سرمایه گذاری خارجی در ایران مناسب تر خواهد شد.»

همچنین وی، آشکارا، قانون ملی شدن صنعت نفت ایران

و شکایت ایران از انگلستان را، در جریان ملی شدن صنعت نفت در دوران دکتر محمد مصدق، مورد حمله شدید قرارداد و متذکر شد: «با توجه به قراردادهای امتیاز نفت ایران در دوران پیش از انقلاب اسلامی، لزوم اصلاح چنین قراردادهایی ضروری است. اگر ایران در آن زمان در دادگاه لاهه از حقوق خود بهر دفاع کرده بود، مجبور به پرداخت خسارت نفتی نمی شد. قراردادهای بیع متقابل نکته های مثبت و منفی دارد، لیکن برای شرکت های خارجی شیرین است، و توصیه می شود کمپانی های نفتی از این فرصت بزرگ در ایران کمال استفاده را ببرند. اینکه گفته شده است سهم شرکت های خارجی در پروژه های نفت نباید از سقف ۴۹ درصد بیشتر باشد، کذب محض است.» سخنان این چهره پرنفوذ در رژیم ولایت فقیه، احتیاج به تفسیر و توضیح ندارد. قراردادهایی که به گفته وی برای خارجی ها شیرین است، قراردادهایی از نوع قرارداد باتوتال فرانسه است، که منافع ملی و حقوق مردم ایران در آن پایمال شده، و عملاً قراردادی همانند قراردادهای پیش از ملی شدن صنعت نفت است. مفاد این قرارداد آن چنان ضد ملی است که، بر رغم خواست مکرر نیروهای میهن پرست و ترقی خواه، و حتی برخی مطبوعات هوادار جمهوری اسلامی، مبنی بر انتشار آن، وزارت نفت رسماً اعلام کرده است که، محتوی قرارداد انتشار نخواهد یافت.

برپایه چنین روابطی، نفت ایران یعنی ثروت ملی ایران، با کم ترین قیمت ممکن پیش فروش شده، و حتی افزایش بهای نفت در بازارهای جهانی، باعث افزایش درآمد های ارزی در بهبود شرایط اقتصادی کشور نشده است.

طبق آمار رسمی بانک مرکزی جمهوری اسلامی، از بهمن ماه سال ۱۳۷۶ خورشیدی، که دور جدید قراردادهای نفتی با خارجیان آغاز شد (صد البته قراردادهای شیرین)، ۲ میلیارد و ۲۰۰ میلیون دلار نفت پیش فروش شده است. بانک مرکزی، تعمداً و حساب شده، فقط مبلغ پیش فروش را اعلام کرده، و معلوم نیست چند میلیون بشکه نفت به این مبلغ فروخته شده است، و اصولاً قیمت هر بشکه نفت چه مقدار بوده است!

برپایه برآورد کارشناسان خارجی، رژیم، نفت ایران را تا چند سال آینده با قیمت حدود ۵ دلار پیش فروش کرده است. باید توجه داشت که، آمار بانک مرکزی تمام مبلغ پیش فروش نفت را، بنا به مصلحت نظام، در بر نمی گیرد.

فاجعه آن جاست که، رژیم ولایت فقیه علاوه بر پیش فروش نفت با قیمت پایین، برای بازپرداخت بدهی های خارجی خود، مبلغ هنگفتی نیز از ذخایر ارزی ایران را مورد استفاده قرار داده است. به این ترتیب، هم نفت، که منبع اصلی درآمد ارزی است با قیمت پایین پیش فروش شده، و هم ذخایر ارزی هزینه گردیده، و اکنون کشور با مشکل جدی کمبود ذخایر ارزی رو به رو است. درست به همین دلیل است که، محسن نوری بخش، رئیس کل بانک مرکزی، و از موسسین باند کارگزاران سازندگی وابسته به رفسنجانی، طی چند ماه اخیر، همواره از پاسخ درباره میزان ذخایر ارزی ایران نزد بانک های خارجی امتناع کرده است.

کوتاه سخن، طرح خصوصی سازی صنایع نفت و گاز، که برای میهن ما اهمیت استراتژیک دارد، ناقض حق حاکمیت ملی ایران بر منابع نفت و گاز بوده، و با اصل ملی شدن صنعت نفت ایران در تقابل آشکار قرارداد. چنین برنامه یی، میهن ما را با فاجعه یی بزرگ رو به رو کرده است، و منابع غنی نفت و گاز را عملاً به امپریالیسم واگذار می کند، و چیزی جز سپردن امتیاز به بیگانگان، طبق شرایط گذشته، یعنی پیش از ملی شدن صنعت نفت، نیست. حزب توده ایران با تمام توان خود برضد این برنامه ضد ملی پیشکار خواهد کرد.

ادامه همبستگی جهانی ...

کمیته دفاع از حقوق مردم ایران (کودیر)

سازمان همبستگی با مردم ایران - که مقرر آن در انگلستان است طی سه بیانه، نسبت به تحولات خونین کوی دانشگاه تهران، و اوج گیری جنبش دانشجویی و اقدامات کودتا گرانه رژیم عکس العمل نشان داد. کودیر، در اولین بیانه مطبوعاتی خود که در تاریخ ۲۰ تیرماه منتشر شد، از وزیر خارجه انگلیس خواست تا به عنوان پیش شرط توسعه روابط اقتصادی و دیپلماتیک میان ایران و انگلستان، از رژیم تهران بخواهد که آزادی مطبوعات مستقل را تضمین کند. بیانه مزبور، که متن کامل آن کل در روزنامه مورنینگ استار منعکس شد، ضمن توضیح جزئیات تحولات، از قول سخنگوی کمیته دفاع از حقوق مردم ایران، اضافه می کند: «اگر عکس العملی نشان ندهیم، ما هم احتمالاً شاهد اوج گیری این نوع خشونت ها خواهیم بود. آنچه که ما اکنون شاهد آنیم، شروع یک حمله همه جانبه به آزادی بیان از سوی محافل مذهبی دست راستی است.» بخش وسیعی از اتحادیه های کارگری انگلستان و محافل ترقی خواه این کشور، از فراخوان کودیر حمایت کردند. در نامه یی به رایین کوک، وزیر خارجه انگلستان، نوتل هاریس، دبیر کل کمیته دفاع از حقوق مردم ایران، متذکر شد: «رژیم از نظر اقتصادی در وضعیت نامساعدی قرار دارد، آنها اگر می خواهند که اقتصاد خود را سر پا نگه دارند، هیچ راهی به غیر از پاسخ مثبت دادن به آنچه که جامعه بین المللی می گوید، ندارند.» در انتهای نامه خود به وزیر خارجه انگلستان، کودیر، که ده ها عضو پارلمان انگلیس و نیز چندین اتحادیه کارگری عمده کشور صد ها سازمان ترقی خواه محلی از آن حمایت می کنند، اضافه می کند: «به مشابه سازمانی که از سال ۱۹۸۰ برای استقرار حقوق بشر و دموکراسی در ایران مبارزه کرده است، کودیر معتقد است که رژیم ایران را به عواقب بین المللی سیاست ها و اقداماتش واقف کردن، دارای اهمیت است.» جالب است خاطر نشان کنیم که، وزارت خارجه انگلستان در عکس العمل به سیاست سرکوب خشن جنبش دانشجویی، تحت فشار محافل دموکرات این کشور، در نیمه دوم تیرماه تماس های رسمی میان دولت انگلیس و ایران را به مدتی نا معلوم به حالت تعویق درآورد.

● کودیر در بلژیک

کمیته دفاع از حقوق بشر در ایران «کودیر» در بلژیک نیز با انتشار بیانه ای به تاریخ ۱۳ ژوئیه ۱۹۹۹، ضمن محکوم کردن یورش وحشیانه رژیم به جنبش دانشجویی از همه نیروهای مترقی این کشور خواست تا اعتراض خود را بر ضد این اقدامات تشدید کنند.

ادامه گزارش «کمیته تحقیق» ...

با ماجرا معرفی می شدند...» به گفته ترقی کاستی های اطلاعات مندرج در گزارش کمیته تحقیق ناشی از عدم توافق دولت، وزارت اطلاعات و کمیته تحقیق است و کاملاً مشهود است به این کمیته فشار وارد شده است و گرنه برخی موارد را به وزارت اطلاعات و تحقیقات بعدی ارجاع نمی داد» (روزنامه نشاط، دوشنبه ۲۵ مرداد ۱۳۷۸).

بررسی دقیق گزارش منتشر شده از سوی «کمیته تحقیق»، که از نمایندگان ارگان های امنیتی (از جمله سازمان حفاظت اطلاعات سپاه پاسداران، دادسرای نظامی تهران، رئیس اطلاعات سپاه پاسداران، نماینده وزارت اطلاعات)، نماینده وزارتخانه های کشور و فرهنگ و همچنین رئیس سازمان بازرسی کل کشور تشکیل شده است نکات جالبی را پیرامون ماهیت و اهداف این گزارش روشن می کند که ما در اینجا به بررسی برخی از این نکات می پردازیم.

نخست آنکه «کمیته تحقیق» پیرامون «زمینه های وقوع حادثه» ضمن طرح پاره ای اطلاعات سوخته که دیگر برهمگان روشن است به این نتیجه «مهم» می رسد که: «گزارشات واصله در خصوص وجود عناصر مشکوک و ماجراجو در هر دو طرف درگیری در شب حادثه و با عنایت به اینکه اظهار نظر روشن، شفاف و اطمینان بخش به این عناصر مستلزم زمان و تحقیقات بیشتر بود، کمیته تصمیم گرفت تحقیقات بیشتر در مورد حضور عناصر ماجراجو را در شب حادثه در کوی دانشگاه به وزارت اطلاعات واگذار نماید» (روزنامه همشهری، دوشنبه ۲۵ مرداد ماه ۱۳۷۸).

به عبارت روشن تر پس از مطالعه نزدیک به ۱۰۰۰ صفحه گزارش و مصاحبه و بازپرسی از ده ها شاهد و مظنون، هنوز «کمیته تحقیق» قادر نیست به نتیجه روشنی برسد. جالب تر اینکه کمیته تحقیق روشن شدن مسایل را به وزارت اطلاعات واگذار کرده است که در هفته های پیش با انتشار پنج اطلاعیه مطبوعاتی، دانشجویان مبارز را «عوامل خارجی» «استکبار»، «صهیونیسم» و ... معرفی کرده است، صدها دانشجوی مبارز را دستگیر کرده و به شکنجه گاه اعزام داشته و آن شوهای مسخره و مسمومه کننده تلویزیونی را سازمان دهی کرده است. می گویند «چاقو دسته خود را نمی برد». اعلام اینکه نتیجه قطعی تحقیقات به وزارت اطلاعات واگذار شده است توهین به افکار عمومی و نفهم شمردن مردم میهن ماست. کارنامه نگین و سیاه وزارت اطلاعات رژیم «ولایت فقیه» در سال های اخیر از ترورهای نفرت انگیز دگراندیشان تا سازمان دهی گروه های چاقو کش و مزدور جای هیچ گونه خوش خیالی و خوش بینی را در باره سرنوشت چنین تحقیقاتی باقی نمی گذارد.

دوم اینکه «کمیته تحقیق» ضمن اعتراف به «حضور برخی از افراد شخصی موسوم به گروه فشار» و نقش فعال این نیروها در مضروب کردن دانشجویان در نتیجه گیری در این باره اعلام می کند: «ناجا [نیروهای امنیتی جمهوری اسلامی] فهرستی هفت نفره از این افراد را که در درگیری ها مشارکت داشته اند به کمیته ارائه نمود. کمیته اسامی افراد یاد شده را با هماهنگی قضایی مورد نیاز به معاونت ویژه وزارت اطلاعات ارجاع نمود. تعدادی از این افراد تاکنون بازداشت شده و حضور خود را در کوی و خوابگاه پذیرفته اند، لکن هرگونه مشارکت در ضرب و شتم و تخریب را انکار نموده اند. تحقیقات بیشتر در این زمینه تا حصول نتیجه نهایی به وزارت اطلاعات محول گردید» (همانجا). گزارش کمیته تحقیق نه تنها روشن نمی کند که این گروه های فشار به چه نهاد یا ارگانی مرتبط هستند که می توانند اینگونه سازمان یافته در محل کوی خوابگاه حضور پیدا کنند و در مدت زمان کوتاهی شمار قابل

ملاحظه ای را تشکیل دهند، بلکه با ظرافت از کنار این نکته نیز می گذرد که چگونه این گروه های فشار بدون هرگونه مزاحمتی یا مخالفتی از سوی نیروهای امنیتی به برنامه های خود ادامه می دهند. در سال های اخیر انواع و اقسام کمیته های تحقیق در باره گروه های فشار تشکیل شده است. در دوسال گذشته شماری از افراد این گروه ها از جمله به خاطر ضرب و شتم و زوری دولت خاتمی دستگیر و روانه دادگاه های نمایشی و مسخره ای شده اند، و همگی هنوز آزادانه در سراسر کشور می گردند و یا به قول گزارش کمیته «گشت می زنند» و هنوز هم کسی ماهیت آنها را نمی شناسد. مانورهای این چنینی، رسوا تر از آن است که بتواند کسی را فریب دهد، برای اکثریت مردم میهن ما روشن است که، این گروه ها به چه کسانی وابسته اند و توسط چه کسانی سازمان دهی می شوند. در سال های اخیر روشن شده است که حزب الله و انصار حزب الله چیزی جز سازمان های نیمه نظامی وابسته به ارگان های سرکوبگر نیستند که هدف و وظیفه شان یورش و سرکوب هرگونه مخالفت با استبداد و ارتجاع و دفاع از آزادی است. نکته جالب تر اینکه در حالی که وزارت اطلاعات رژیم و دیگر دستگاه های سرکوبگر تاکنون صدها دانشجوی مبارز را دستگیر و روانه شکنجه گاه کرده اند، کمیته تحقیق هنوز حتی نمی تواند اسامی این افراد وابسته به گروه های فشار را به مردم اعلام کند.

اعتراف «کمیته تحقیق» به مقصر بودن ضمنی نیروهای امنیتی در یورش به کوی دانشگاه نیز با زیرکی و هدفمندی خاصی صورت گرفته است که باید آن را در چارچوب توافق جناح ها برای «حفظ نظام» ارزیابی کرد. گزارش ضمن «غیر مدبرانه» خواندن معاونت نیروهای امنیتی نخست رهبران ارگان های سرکوبگر را از هرگونه اتهامی مبرا می کند و سپس به این نتیجه گیری مهم می رسد که هیچ دستوری از بالا برای حمله به کوی دانشگاه وجود نداشته است. به عبارت روشن تر همان طوری که در قضیه ترورهای سال گذشته و قتل های زنجیره ای با قربانی کردن «سعید اسلامی» رد پای رهبران رژیم «ولایت فقیه» در سازمان دهی این جنایات پاک گردید، «کمیته تحقیق» نیز هرگونه سرکوب سازمان یافته ای را در مورد یورش به جنبش دانشجویی انکار می کند. در این گزارش ربط حوادث کشور، از جمله «خودکشی» (یا بهتر بگوییم خودکشاندن) سعید اسلامی، تصویب طرح اصلاح لایحه مطبوعات، یورش به روزنامه های مزاحم و مدافع دولت خاتمی، تهدید های رئیس وقت قوه قضائیه در باره برخورد با عوامل «ضد نظام»، سخنان تحریک آمیز شخص «ولی فقیه» در مورد خطراتی که «نظام» را از سوی «بیگانگان» تهدید می کند و تهدید های سران نیروهای امنیتی به کودتای نظامی به کلی به فراموشی سپرده می شود و در هیچ کجای گزارش راجع به حقوق پایمال شده دانشجویان و ادامه آن اشاره ای وجود ندارد. در واقع «کمیته تحقیق» روشن شدن حساس ترین مسایل این حوادث، یعنی یورش سازمان یافته نیروهای امنیتی و گروه های فشار به جنبش دانشجویی را مانند ماجرای قتل های زنجیره ای نتیجه عملکرد چند مأمور خودسر معرفی می کند که می توانند به راحتی تویخ و یا در پست های خود جابجا بشوند. چنین گزارشی نه تنها پاسخ گوی خواست های مردم ما و جنبش دانشجویی کشور پیرامون روشن شدن علل و ریشه های یورش جنایت کارانه مأموران رژیم «ولایت فقیه» نیست بلکه تلاش روشنی است برای سرپوش گذاشتن بر واقعیات. مردم ما همچنان که دروغ های سران رژیم را درباره قتل های زنجیره ای و دست داشتن «عوامل استکبار» و سپس ماجرای رسوای «خودکشی سعید اسلامی» را باور نکرده اند به این چنین گزارش هایی که هیچ هدفی جز حفظ «قداست رهبری و نظام» نیز ندارد خام نخواهند شد. خشونت، سرکوب اندیشه و ترور دگراندیشان بخش جدا ناپذیری از ماهیت رژیم «ولایت فقیه» است که در کوره عمل به اثبات رسیده است. تجربه عملی توده ها را نمی توان با دروغ های مصلحتی و فریبکارانه مخدوش کرد. مهمترین تجربه بدست آمده از حوادث ماه های اخیر این است که جنبش آزادی خواهانه بدون سازمان یافتگی نمی تواند بر استبداد حاکم بر میهن ما فائق آید. تمام تلاش ها و توان را باید در این عرصه به کار گرفت.

ادامه رویدادهای جهان

تولید کننده عمده آن مانند آفریقای جنوبی و غنا، اثرات زرف و نامطلوب اقتصادی به دنبال داشته است. آفریقای جنوبی بزرگ ترین تولید کننده طلا در جهان است. در همین رابطه، موج بیکاری کارکنان صنایع طلا در آفریقای جنوبی آغاز شده، و انتظار می رود هزاران زحمتکش بیکار شوند. بهای طلا در بازارهای جهانی به کم ترین حد خود در ۲۰ سال گذشته رسیده است.

مذاکرات صلح

آذربایجان و ارمنستان

رئیس جمهوری آذربایجان، حیدرعلی اوف، و همسای ارمنی او، روبرت کوچاریان، در روز ۲۵ تیرماه، در ویلایی در کنار دریاچه پی در حومه ژنو، در سوئیس، ملاقات و در مورد درگیری های قراباغ علیا گفتگو کردند. قراباغ، که اکثریت ساکنان آن ارمنی اند بخشی از خاک آذربایجان است، و در سال ۱۹۸۸ از این کشور اعلام جدائی و اعلام استقلال کرد. ارمنستان رسماً درگیری های قراباغ شرکت ندارد، اما از جدایی طلبان حمایت سیاسی و نظامی می کند. بیش از ۳۵۰۰۰ نفر درگیری های قراباغ علیا کشته و نزدیک به یک میلیون آذری بی خانمان شده اند. مذاکرات میان دو طرف، که از سال ۱۹۹۴ در جریان بوده، از تابستان گذشته به حالت تعلیق درآمده بود، ولی پس از ملاقات رهبران دو کشور در جریان اجلاس ناتو در واشنگتن، توافق گردید که تماس های منظم از سرگرفته شود. حیدر علی اف در بازگشت به باکو اظهار نظر کرد: «من فکر می کنم که هر دو طرف باید سازش کنند، بخاطر اینکه بدون مصالحه، غیرممکن خواهد بود که به یک راه حل صلح آمیز دست یابیم.» او در مورد جزئیات این مصالحه سخنی نگفت. روبرت کوچاریان، رئیس جمهوری ارمنستان، گفت که، یک و یا دو ملاقات برای حل اختلافات کافی نیست. او اضافه کرد که، نمایندگان قراباغ نیز ممکن است به جلسات آینده بین رهبران دو کشور بیونند.



بحران جدید در روسیه

گروه رهبری کننده کرملین و ارگان های قدرت در روسیه، در روز ۱۸ مرداد ماه، حکم برکناری استپاشین، نخست وزیر روسیه و تمام کابینه او را صادر کرد. این گروه مافیای گونه، که اساساً همه حرکات و تصمیم گیرهای پلتنسین را هدایت و کنترل می کند، شامل تاتیانا، دختر پلتنسین، و تعداد انگشت شماری از بوروکرات های دستگاه دولتی، و نیز سرمایه داران جدید روسیه اند. برکناری استپاشین، کمتر از سه ماه پس از برگمارگی او به پست نخست وزیری، ریشه در ارزیابی منفی گروه مافیایی در کرملین از او و نیاز آنان به یک نخست وزیر قوی داشت که امنیت و قدرت آینده گروه را پس از کناره گیری بوریس پلتنسین از پست ریاست جمهوری در سال آینده تضمین کند. گنادی زیوگانوف، رهبر حزب کمونیست فدراسیون روسیه، برکناری سرگئی استپاشین را «بلاغت صد در صد» خواند و گفت: «در طول ۱۸ ماه این چهارمین بار است که نخست وزیر کشور برکنار می شود. ما از مدت ها قبل گفته بودیم که این دولت قبل از شهریور ماه برکنار خواهد شد.» زیوگانوف اضافه کرد: «مادامی که پلتنسین به همراه یک هیئت سیاسی از همپالگی هایش در کرملین است، به هیچ کس اجازه اینکه کار مفیدی انجام دهد، داده نخواهد شد.»

ویکتور ایلوخین، یکی از نمایندگان با نفوذ کمونیست در دوما، گفت که، «خانواده» در کوشش برای حفاظت از منافع خود قبل از برگزاری انتخابات ریاست جمهوری در سال آینده، تصمیم به برکناری استپاشین و انتخاب ولادیمیر پوتین گرفت. گروه مافیایی در قدرت، بر آن است که، پوتین، که رهبری سرویس های امنیتی کشور را به عهده داشته است، می تواند در آینده امنیت سیاسی و اقتصادی آنان را تضمین کند.

پلتنسین اعلام کرده است که، ولادیمیر پوتین منتخب او برای جانشینی در پست ریاست جمهوری است. آنچه پلتنسین و دموکرات های دروغین در قدرت، فراموش کرده اند، اینست که، ریاست جمهور، روسیه می باید بر طبق قانون اساسی از سوی مردم انتخاب شود.

حکومت اسلامی داغستان!

سرگئی استپاشین، نخست وزیر برکنار شده روسیه، در روز ۱۸ مرداد اظهار داشت که روسیه ممکن است کنترل منطقه داغستان را به شورشیان مسلمان این منطقه ببازد. واحدهای ارتش و پلیس روسیه، از روز ۱۵

مرداد ماه، درگیر مبارزه بی سلاحانه با صدها چریک مسلمان اند که با اشغال حداقل سه دهکده کوهستانی در این منطقه، که به لحاظ منابع نفتی ثروتمند اند، استقلال داغستان را اعلام کرده اند. استپاشین به کابینه روسیه گزارش داد که: «امروز، اوضاع در داغستان بسیار دشوار است، من فکر می کنم که امکان دارد که داغستان را از دست بدهیم.» شورای اسلامی داغستان، به دنبال یک جلسه اضطراری که در بوتلیچسکی برگزار شد، برپایی یک «حکومت اسلامی مستقل در داغستان» را اعلام کرد. شورا اعلام کرده است که، در نظر دارد حمایت جمهوری خودمختار چچن را از کشور تازه تاسیس خواستار بشود. شورای اسلامی داغستان، که اکثر نیروهای وابسته به آن در چچن مستقر اند، امکان مذاکره با رهبری روسیه را مردود شمرده و گفت: «فقط در مورد عقب کشیدن کامل ارتش و به رسمیت شناختن حق حاکمیت داغستان می توان صحبت کرد.» داغستان از یک سو مجاور دریای خزر و منابع نفتی غنی آن و از سوی دیگر هم مرز با جمهوری های آذربایجان و گرجستان است. یک خط لوله نفت از آذربایجان به روسیه از داغستان می گذرد.

واحد های نظامی روسیه، با به کارگیری نیروی هوایی و توپخانه، از روز ۲۱ مردادماه، سعی به باز پس گیری مناطق تحت کنترل چریک های مسلمان کرد. افکار عمومی روسیه و داغستان بر این باوراند که، چریک ها در واقع مبارزان مسلمان چچن اند که اکنون مبارزه جدیدی را در ورای مرز های این کشور سازمان می دهند. اوضاع نا سامان اقتصادی و بیکاری فراگیر در میان نسل جوان در جمهوری های آسیایی شوروی سابق، زمینه های عینی رشد تمایلات ناسیونالیستی و توفیق نیروهای عوام فریب اسلامی را فراهم ساخته است.

نظم نوین در کوسوو

کشتار فجیع ۱۴ کشاورز صرب در مزارع دهکده بی در کوسوو، و حملات تحریک آمیز و جنایتکارانه عناصر افراطی وابسته به اقلیت آلبانیایی تبار به شهروندان صرب، افکار عمومی جهان را یک بار دیگر متوجه وضعیت بحرانی این ایالت اشغال شده یوگسلاوی کرده است. رهبران پیمان تجاوز کار ناتو، که می پنداشتند با تحویل قلمرو کوسوو به رهبری سرسپرده ارتش آزادی بخش کوسوو (ک.ا.ا.آ.) نظم مورد نظر خود را ایجاد خواهند کرد، با این واقعیت رو به رو شده اند که، این گروه مشکوک و جنایتکار اساساً در جهت ایجاد وضعیتی عمل می کند تا منافع آن و حامیان قاچاقچی و گانگسترش را تامین سازد.

شواهدی در دست است که «ک.ا.ا.آ.» با استقرار وزارتخانه ها و وزاری خود و انتخاب شهرداران و فرمانداران در مناطق مختلف، سعی در ایجاد شرایط اعلام استقلال کوسوو را دارد، یعنی امری که در توافق صلح میان ناتو و یوگسلاوی به صراحت رد شده است. هم اکنون، عملاً به موازات گردانندگان بین المللی، ارگان های قدرت گمارده شده از سوی «ک.ا.ا.آ.» نیز در کوسوو عمل می کنند. در ۱۶ مرداد ماه، نیروهای وابسته به ناتو، به مقر «وزارت نظم عمومی» حمله کرده و مقادیر معتدلهایی اسلحه، مدارک و نیز مبلغ هنگفتی مارک آلمان غربی را مصادره کردند. رهبران ناتو نگران اقدامات «ک.ا.ا.آ.» در جهت ایجاد ساختارهای غیر قانونی پلیس در کوسوو هستند.

در روزهای ۱۶ تا ۱۸ مردادماه، نیروهای فرانسوی مستقر در کوسوو مورد تهاجم طرفداران افراطی «ک.ا.ا.آ.» قرار گرفتند، که خواهان ورود به یک منطقه صرب نشین در کوسوسکا میترویکا، یک شهر عمده کوسوو، بودند. اوضاع در کوسوو آن چنان بحرانی است که، حتی رهبران نظامی نیروهای وابسته به ناتو، که در این ایالت مستقراند، مجبور به موضع گیری بر ضد «ک.ا.ا.آ.» شده اند. ژنرال مایکل جکسون، فرمانده انگلیسی نیروهای اشغالگر ناتو در کوسوو، در روز ۱۸ مرداد ماه، گفت که، رهبری «ک.ا.ا.آ.» کنترل اعضایش را از دست داده است. او در مصاحبه بی گفت که، نیاز به این است که رهبری «ک.ا.ا.آ.» اعضای خود را متقاعد کند که از حملات تلافی جویانه بر ضد صرب ها و کولی ها دست بکشند. او گفت: «من نمی توانم باور کنم که آنها در کنترل کامل باشند.»

آتش بس در سودان

دولت سودان، در روز ۱۴ مرداد ماه، یک آتش بس ۷۰ روزه در جنگ ۱۶ ساله خود بر ضد ارتش آزادی بخش مردم سودان (اس.پی.ال.ا.) را اعلام کرد، و از نیروهای وابسته به این جنبش، که برای استقلال جنوب سودان مبارزه می کنند خواست که متقابلاً آتش بس اعلام کنند. این فراخوان پس از اینکه هواپیماهای وابسته به دولت دو شهر را در منطقه تحت کنترل (اس.پی.ال.ا.)

تظاهرات کارگران ترکیه برضد صندوق بین المللی پول

هزاران نفر از کارگران و زحمتکشان ترکیه در اعتراض به تصمیمات اخیر دولت این کشور مبنی بر اصلاح قوانین تامین اجتماعی، در آنکارا و دیگر شهرهای این کشور دست به تظاهرات زدند. دولت ترکیه به پیروی از دستورات صندوق بین المللی پول، طرحی را که اصلاح قانون تامین اجتماعی نامیده می شود، به مرحله اجرا گذارده است. طبق طرح فوق، که ماهیت شدیداً ضد کارگری دارد، تغییرات عمده ای در سن بازنشستگی و حقوق بازنشستگان داده خواهد شد. کارگران ترکیه در تظاهرات خود، دولت را عامل صندوق بین المللی پول نامیدند و برضد این نهاد غارتگر سرمایه داری شعار دادند.

تظاهرات کارگران بخش صنایع طلا در آفریقای جنوبی

بیش از ۵ هزار نفر از کارگران و کارکنان صنایع طلا در آفریقای جنوبی، در برابر سفارت انگلستان سوتیوس، در شهر پرتوریا، دست به راه پیمایی زدند. دولت انگلستان ۴۵۰ تن از ذخایر طلای خود را طی ماه گذشته به حراج گذاشت. این حراج به کاهش چشمگیر قیمت طلا در بازار جهانی انجامید. بانک مرکزی سوتیوس نیز اعلام کرده است که، در آینده بی نزدیک ذخایر طلای خود را حراج خواهد کرد. کاهش قیمت طلا، در کشورهای

همبستگی جهانی با مبارزات دانشجویان آزادی خواه میهن مان

در هفته های اخیر، رسانه های گروهی ایران و جهان وسیعاً به بررسی تحولات طوفانی شش روز مقاومت دانشجویان مبارز بر ضد کودتای گردانندگان رژیم ولایت فقیه و تبعات آن پرداخته اند. آنچه که تا کنون در این بررسی انعکاس درخور خود را نیافته است، همبستگی گسترده نیروهای مردمی در سراسر جهان با جنبش دانشجویی کشور ما بوده است. واقعیت اینست که، ترقی خواهان جهان، از احزاب چپ و کارگری-کمونیستی گرفته تا سازمان های صنفی و اتحادیه های کارگری، با علاقه و تحسین مبارزه نابرابر دانشجویان با گزرمگان رژیم «ولایت» را دنبال کرده اند، و حمایت خود را از خواسته های برحق آنان اعلام داشته اند. در مطلب حاضر، به انعکاس بخشی از اقدامات همراه با ابراز همبستگی، که در پاسخ به فراخوان های حزب توده ایران به حمایت از جنبش مردمی ایران انجام شده است می پردازیم.

کارزار بین المللی فدراسیون جهانی جوانان دموکرات
این نهاد بین المللی، که در برگیرنده ۱۵۶ سازمان جوانان دموکرات و ترقی خواه از ۱۰۲ کشور جهان است، در سال های اخیر پیگیرانه از کارزار همبستگی با مبارزات آزادی خواهانه مردم کشورما، و بویژه دانشجویان و جوانان حمایت کرده است. در اوایل تیر ماه، و درست یک هفته قبل از رخدادهای خونین کوی دانشگاه تهران، فدراسیون جهانی جوانان دموکرات در بیانیه یی به تاریخ ۲۹ ژوئن، ضمن توضیح زمینه مبارزات آزادی خواهانه جوانان و دانشجویان کشورمان، از حملات گروه های فاشیست مآب که زیر نظارت نیروهای امنیتی اند، به دانشجویان، اظهار نگرانی کرده و آزادی حشمت الله طبرزدی و دیگر فعالان دانشجویی، که در خرداد ماه بازداشت شده بودند، خواستار شد. این بیانیه «اقدامات ارگان های امنیتی جمهوری اسلامی ایران در نقض دائمی حقوق قانونی دانشجویان ایرانی را قویاً محکوم» می کند. در راستای مخالفت پیگیر خود با نقض حقوق انسانی و دموکراتیک توسط رژیم جمهوری اسلامی، فدراسیون مزبور «به نمایندگی از طرف میلیون ها دانشجو در سراسر جهان پایان دادن به سانسور، سرکوب و آزار فعالان اپوزیسیون در ایران» را خواستار شد. «خواستار آزادی فوری همه زندانیان سیاسی و لغو مجازات اعدام در ایران را خواستار است.»

در رابطه با تحولات نیمه دوم تیرماه و اوج گیری جنبش دانشجویی در کشور، رهبری فدراسیون، در ارتباط و هماهنگی با سازمان جوانان توده ایران، اقدامات جهت همبستگی فوری یی را سازمان داد. در بیانیه یی تحت عنوان «فراخوان برای اقدام عاجل در رابطه با اعتراضات دانشجویی در ایران» که در تاریخ ۲۲ تیرماه منتشر شد، شورای هماهنگی فدراسیون، که مقر آن در بوداپست، پایتخت مجارستان، است، به سازمان های دانشجویی سراسر جهان اطلاع داد که «اکثر دانشگاه های ایران صحنه گردهمایی ها و راهپیمایی های اعتراضی بر ضد حمله خونین نیروهای امنیتی به خوابگاه دانشجویان دانشگاه تهران است.» این بیانیه، ضمن توضیح جزئیات رخداد های چند روزه، بشدت «اقدامات نیروهای امنیتی رژیم را محکوم کرده و خواهان همبستگی بین المللی با جوانان و دانشجویان ایرانی» گردید. فدراسیون، ضمن مطالبه آزادی همه دانشجویان دستگیر شده، از همه سازمان های عضو و وابسته به خود می خواهد که فعالیت های خود را برای همبستگی با دانشجویان ایرانی سازمان بدهند. «ما سازمان های جوانان و دانشجویان در جهان را فرا می خوانیم تا به سفارت خانه ها و هیئت های دیپلماتیک جمهوری اسلامی ایران در کشور های خود اعتراض کرده، و خواهان مراعات اکید و احترام به منشور جهانی حقوق بشر گردند.» در روزهای ۲۴ تیرماه و ۲۰ مرداد ماه، در بیانیه هایی، رهبری فدراسیون اعضای خود را در سراسر جهان فرا خواند تا به مبارزه خود در همبستگی با جوانان و دانشجویان ایرانی ادامه بدهند، و با تماس با مقامات سازمان ملل و دولت ایران طالب آزادی دانشجویان زندانی و رعایت استاندارد های مورد قبول و مورد توجه میثاق های بین المللی در رابطه با محاکمه زندانیان سیاسی در ایران گردند.

در هفته های اخیر، رسانه های گروهی ایران و جهان وسیعاً به بررسی تحولات طوفانی شش روز مقاومت دانشجویان مبارز بر ضد کودتای گردانندگان رژیم ولایت فقیه و تبعات آن پرداخته اند. آنچه که تا کنون در این بررسی انعکاس درخور خود را نیافته است، همبستگی گسترده نیروهای مردمی در سراسر جهان با جنبش دانشجویی کشور ما بوده است. واقعیت اینست که، ترقی خواهان جهان، از احزاب چپ و کارگری-کمونیستی گرفته تا سازمان های صنفی و اتحادیه های کارگری، با علاقه و تحسین مبارزه نابرابر دانشجویان با گزرمگان رژیم «ولایت» را دنبال کرده اند، و حمایت خود را از خواسته های برحق آنان اعلام داشته اند. در مطلب حاضر، به انعکاس بخشی از اقدامات همراه با ابراز همبستگی، که در پاسخ به فراخوان های حزب توده ایران به حمایت از جنبش مردمی ایران انجام شده است می پردازیم.

فراخوان عاجل شعبه روابط عمومی کمیته مرکزی حزب توده ایران، در تاریخ ۲۴ تیرماه، خطاب به احزاب کمونیست- کارگری جهان، که به دنبال پخش وسیع ترجمه متون سه اعلامیه متوالی حزب از طریق اینترنت صادر شد، ضمن توضیح جزئیات تحولات، خواستار اعتراض ترقی خواهان جهان به مقامات رژیم در رابطه با سرکوب خشن جنبش آزادی خواهانه دانشجویان کشور گردید. این فراخوان متذکر می شود که، آنچه که در ۳۶ ساعت گذشته در تهران در جریان بوده است، آغاز به بند کشیدن کامل آزادی بیان، حق بیوستن به شکل های صنفی- سیاسی و نیز آزادی مطبوعات است. فراخوان، ضمن توضیح عواقب موج سرکوب که محتملاً می تواند به ممنوعیت روزنامه های مستقل، به تعویق انداختن و یا دست بردن در روند انتخابات پارلمانی آتی، در اسفند ماه، و یا حتی برکناری رئیس جمهوری منجر بشود، احزاب کمونیست کارگری را به همبستگی فعال با آزادی خواهان کشور دعوت کرده، و خواستار مراجعه آنان به دبیر کل سازمان ملل، بیان اعتراض خود به سفارتخانه های جمهوری اسلامی در کشور های جهان، و نوشتن نامه به رئیس جمهوری، خاتمی، با خواست های مشخص آزادی تمامی دانشجویان زندانی و بازدید یک هیئت بی طرف بین المللی برای تحقیق پیرامون تحولات اخیر در کشور، گردید.

افشاکاری های روزنامه «مورنینگ استار»

روزنامه مورنینگ استار، تنها روزنامه انگلیسی زبان کمونیست، که در انگلیس چاپ می شود زیر عنوان درشت «جنگ بر ضد دموکراسی»، در روز ۲۵ تیر ماه، فراخوان حزب توده ایران را منعکس ساخت. مورنینگ استار به دستگیری نزدیک به ۱۰۰۰ نفر از تظاهر کنندگان طرفدار آزادی، توسط مقامات رژیم، اعتراض می کند. مورنینگ استار، با نقل قول از حسن روحانی، دبیر شورای امنیت ملی، و علی شمخانی، وزیر دفاع رژیم، در رابطه با شدت عمل نسبت به دانشجویان دستگیر شده، اظهار می دارد: «مقامات رسمی ایران به صراحت اظهار داشته اند که مصمم به نابود کردن هرگونه مقاومتی اند، و جان آنانی که دستگیر شده اند، در خطر جدی است.» مورنینگ استار خاطر نشان می کند که «رهبران ارتجاعی رژیم از هیچ جنایتی برای طولانی تر کردن حکومت سرکوبگرانه خود روی گردان نیستند» و از خوانندگان خود می خواهد که با ارسال نامه های اعتراضی به سفارتخانه جمهوری اسلامی، و نیز محمد خاتمی، آزادی بی قید و شرط دانشجویان زندانی خواستار شوند.

اعتراض حزب کمونیست کارگران روسیه

در نامه یی به دبیر کل سازمان ملل، ویکتور تیولکین، دبیر اول کمیته مرکزی حزب کمونیست کارگران روسیه، به هجوم به «تظاهرات صلح آمیز دانشجویان دانشگاه تهران توسط بسیجیان مسلح، پلیس و اعضای نیروهای امنیتی» اعتراض می کند. در نامه خود، ویکتور تیولکین اشاره می کند که «مقامات کشوری خودشان دستگیری ۶۵ دانشجو را تأیید کرده و اعلام کرده اند که ۱۲ تن از آنان به جرم شرکت در اعتراضات دانشجویی در دادگاه های نظامی محاکمه خواهند شد.» تیولکین در ادامه اظهار می دارد: «ما مطلعیم که، جان آنهایی که دستگیر شده اند در معرض خطر جدی است، و به این دلیل است که از شما می خواهیم که از قدرت و نفوذ مقام خود استفاده کرده و به مقامات ایران مسئولیت شان را در قبال قوانین بین المللی در رابطه با احترام به حقوق

ادامه در صفحه ۵

کمک های مالی رسیده

پارن حیدر خان عموآغلی از باکو
برای بزرگداشت خاطره رفیق شهید، فاطمه مدرسی، از آمریکا
۲۰۰ دلار
۱۰۰ دلار

آدرس ها: لفاً در مکاتبات خود با آدرس های زیر، از ذکر هرگونه نام اضافی خودداری کنید.
1-Postfach 100644, 10566 Berlin, Germany
2- B.M. Box 1686, London WC1N 3XX, UK
NAMEH MARDOM-NO:564
Central Organ of the Tudeh Party of Iran
<http://www.demon.co.uk/mardom/tudeh.htm>

17th August 1999

شماره فاکس و

تلفن پیام گیر ما

۳۲۴۱۶۲۷ - ۳۰ - ۴۹ -

حساب بانکی ما:

IRAN e. V. نام
790020580 شماره حساب
10050000 کد بانک
Berliner Sparkasse بانک



مجلس ششم و مذاکرات نیروهای خودی

وزارت کشور جمهوری اسلامی ایران اعلام داشت که انتخابات مجلس ششم روز جمعه ۲۹ بهمن ماه برگزار خواهد شد. قبل از آن مجلس رژیم اسلامی ماده مربوط به نظارت استصوابی شورای نگهبان را به تصویب رسانید. با تصویب این ماده ارتجاعی عملاً راه برای ورود نیروهای خارج از حاکمیت مسدود شد. در همین زمینه روزنامه انتخاب در باره سرنوشت مجلس ششم با ۴ تن از نمایندگان جناح های مختلف حکومتی گفتگویی را انجام داد که محمد رضا باهنر از نمایندگان جناح رسالت اعلام کرد: مذاکراتی میان جناح ها برای حل اختلاف نظرهای موجود و رسیدن به تفاهم بیشتر میان آنان در حال انجام است. وی گفت: باید تفاهات را پیگیری کرد. ما بر اساس این تفاهم ها، خیلی از مسائل مان را می توانیم حل بکنیم و آمادگی برای ادامه مذاکرات داریم. محمد ابراهیم مداحی از نمایندگان جناح «مستقل» مجلس اسلامی اظهار داشت: مردم ما به شدت منتظرند تا ببینند که این جناح ها کی و چگونه به توافق می رسند و این انتظار متأسفانه تاکنون به خوبی برآورده نشده است. وی با اشاره به حوادث سیاسی مختلف گفت: جناح ها باید این بحران را تبیین و تحلیل کنند، آسیب پذیرها را بنمایانند و دست به یک آسیب شناسی جدی و عمیق بزنند تا همگی آماده شویم با کمترین آسیب از بحران بگذریم. راه چمنی از نمایندگان طرفدار خاتمی گفت: جناح «چپ» نظارت استصوابی شورای نگهبان را قبول دارد اما معتقد است این نظارت باید قانونمند و ضابطه مند باشد تا کسی به صورت سلیقه ای در این زمینه عمل نکند ولی با تصویب اصل طرح از سوی اکثریت نمایندگان، این امر میسر نشد. دبیر کل حزب همبستگی ایران اسلامی در همین زمینه از سران رژیم و روسای سه قوه خواست تا با یکدیگر بنشینند و با بررسی بروز دلایل وجود اختلاف نظرهای شدید میان جناح ها، راهکارهایی عملی برای تحقق وفاق سیاسی و اجتماعی ارائه کنند.

برخورد دو گانه با افراد دستگیر شده

در پی گزارش کمیته تحقیق کوی دانشگاه روزنامه خرداد در این باره نوشت: «وزیر کشور در مورد دلیل نام نبردن از افراد گروه های فشار در گزارش شورای امنیت ملی، گفته است: هنوز در دادگاه رسماً این افراد محکوم نشده اند و بهتر است که اسامی اعلام نشود.» خرداد در ادامه می نویسد: «این اسرگام مستحکمی در جهت حفظ حریم خصوصی افراد و احترام به حقوق اجتماعی و رعایت حرمت و

ادامه در صفحه بعد

گزیده ها

«...امروز پس از گذشت بیش از نوزده سال از پیروزی انقلاب، روشن است که رهبری انقلاب با خیانت به آرمان ها و اهداف توده های میلیونی، یعنی برپا دارندگان یکی از بزرگ ترین جنبش های اجتماعی - سیاسی قرن بیستم، امکان تاریخی بزرگ میهن ما را در دستیابی به آزادی، دموکراسی، استقلال و عدالت اجتماعی، ضایع کردند، و ایران را در مسیر تخریب، فقر و محرومیت، در مسیر نوعی حکومت سرمایه داری عقب مانده، که جز تأمین منافع عده ای انگشت شمار غارتگر، هدفی ندارد، راندند. این آزمون تاریخی، بیش از پیش، ورشکستگی نظری - اخلاقی این نیروها را در میهن ما به نمایش گذاشت، و نشان داد که «راه سومی»، که رهبران جمهوری اسلامی قول آن را به مردم می دادند، جز همان نظام سرمایه داری، این بار با روئینایی عقب مانده و قرون وسطایی که در شکل دیکتاتوری «ولایت فقیه» خود را نمایان کرده است، چیز دیگری نیست...»

از برنامه حزب توده ایران، مصوب چهارمین کنگره حزب بهمن ۲۷

نامه مردم
از کان مرکزی حزب توده ایران

ضمیمه ۵۶۴، دوره هشتم
سال شانزدهم، ۲ شهریور ۱۳۷۸

۲۹ اسفند، روز ملی شدن صنعت نفت، و مجلس ضد مردمی شورای اسلامی

«بیگانه»، «بیمار» و ... ممرقی می شوند و در عرض مرتجعانی همچون شیخ فضل الله نوری، و کسانی همچون کاشانی و فلسفی ها که با همکاری با شاه و کودتاچیان ضربت مهلکی را بر جنبش آزادی خواهانه میهن ما وارد کردند، به عنوان «قهرمانان» جنبش اعلام می گردند.

افزون بر این کینه دیرینه که حکایت از دشمنی نیروهای حاکم با تاریخ و مبارزات افتخار آمیز مردم ما در راه آزادی دارد، نیروهای تاریک اندیش و ذوب در «ولایت مطلقه» در دو سال گذشته خطر «ملت در مقابل امت» و رشد نیروهای «ملی - مذهبی» را خطری جدی ارزیابی کرده و تلاش سازمان یافته ای را برای ضربه زدن به این نیروها سازمان دهی کرده اند. یورش چماق داران به مراسم سالروز دکتر مصدق و مهندس بازرگان، و یورش ارگان های امنیتی به نیروهای ملی در جریان سرکوب خونین و خشن جنبش دانشجویی را باید بخشی از همین تلاش ها ارزیابی کرد. روزنامه خرداد، در ارزیابی مشابهی از دلایل این اقدام می نویسد: «نمایندگان محترم مجلس پنجم، بدون توجه به عمق فجایی که با یک برگ رای برای ملت پدید خواهد آمد، به لنو تعطیلی ۲۹ اسفند رأی دادند. ۲۹ اسفند سمبل پیروزی جنبش مردم ایران در ملی کردن صنعت نفت بود که ایام منطقه ای و جهانی مهمی در پی داشت. انقطاع تاریخی نسل جدید و احساس بی گذشته بودن آن به خاطر رفتارهای متولیان فرهنگ، از ریشه های نابسامانی فرهنگی نسل جوان است. پیوسته به همه آزادی خواهان مشروطه بدون استثنا به عنوان روشنفکر بیمار ناسزا گفته می شود و فقط شیخ فضل الله نوری مورد ستایش قرار می گیرد و یا مصدق و نهضت ملی و ... تحقیر می شوند و حتی در کتاب درسی دانشگاهی می گویند روشنفکران و دانشگاهیان نه تنها سهمی در جنبش مردم ایران

دکتر محمد مصدق، در آستانه کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲، در پیام رادیویی خطاب به مردم ایران، به تاریخ ۵ مرداد ۱۳۳۲، گفت: «با وضع کنونی مجلس هفدهم، امید هیچ گونه موفقیتی در مبارزه ملت ایران نیست. دولت ناچار است از شما مردم وطن پرست تقاضا کند که عقیده خود را در ابقاء یا انحلال مجلس صریحاً اظهار کنند... مجلس در ماه های اخیر، به صورت هسته مرکزی و پایگاه اصلی اخلاف گران در آمده است...» (به نقل از کتاب تجربه ۲۸ مرداد، نوشته رفیق شهید جوانشیر).

پیام دکتر مصدق، در مرداد ۳۲، یادآور ماهیت و عملکرد مجلس شورای اسلامی است که نه در ماه های اخیر بلکه در سال های اخیر در اختیار طرفداران «ذوب در ولایت» قرار داشته و یکی از پایگاه های اصلی خیانت و اقدام بر ضد منافع ملی مردم میهن ما بوده است. اقدام مجلس شورای اسلامی، در روز دوشنبه ۲۵ مرداد ۱۳۷۸، در آستانه چهل و ششمین سال کودتای خائنانه ۲۸ مرداد ۳۲، در لنو تعطیلی روز ۲۹ اسفند، جشن ملی شدن صنعت نفت، عکس العمل وسیعی در درون جامعه داشت و سرانجام ناطق نوری، کارگزار استبداد و رئیس مجلس ضد مردمی را وادار کرد ضمن عذر خواهی از مردم و اعتراف به «اشتباه» انجام گرفته قول دهد با «همکاری دولت» این اشتباه را تصحیح کنند. عقب نشینی سریع جناح خامنه ای در مقابل عکس العمل وسیع و خشمناک مردم، تغییری در ماهیت این امر و دلایل چنین اقدامی نمی دهد. برای مرتجعان حاکم بر میهن ما، تاریخ پر افتخار مبارزات آزادی خواهانه مردم، خار چشمی است که از همان نخستین روزهای انقلاب تلاش سازمان یافته ای برای نفی و مسخ کردن آن به کار گرفته شده و می شود. مبارزان راه آزادی ایران، از مشروطیت تا پیروزی انقلاب بهمن ۵۷، عوامل

ادامه در صفحه ۲

با هم به سوی تشکیل جبهه واحد ضد دیکتاتوری

برای آزادی، صلح، استقلال، عدالت اجتماعی، و طرد رژیم «ولایت فقیه»!

ادامه رویدادهای ایران

کرامت اشخاص است. ما هم به حکم قانون اساسی، دیدگاه وزیر کشور و اعضای کمیته تحقیق را ارج می نهیم و معتقدیم حیثیت کسانی که در معرض به حریم کوری دانشگاه دستگیر شده اند تا زمان قطعیت یافتن جرم آنها در محاکم صالحه نام آنها برده نشود. سپس خرداد با اشاره به دستگیری های وسیع دانشجویان می نویسد: «در اطلاعیه هایی که وزارت اطلاعات در روزهای «آشوب های خیابانی» منتشر کرد و به دنبال آن در پاره ای از محافل و مطبوعات از کسانی که به تازگی دستگیر شده بودند، نام برده شد و از ارتباط های آن چنانی آنها با بیگانگان، دریافت کمک های مالی و لجبستی از خارجی ها و خارج نشینان و برنامه ریزی گسترده برای برهم زدن نظم و تلاش برای سرنگونی نظام و... پرده برداشته شد. همچنین مصاحبه های تلویزیونی از برخی متهمان به ایجاد آشوب و اخلاص تهیه و پخش شد. در این جا فقط دو سوال مطرح می شود. این افراد دستگیر شده در کدام دادگاه صالح محاکمه و محکوم شده بودند که بر صفحه تلویزیون ظاهر شدند و ضمن اقرار به همه کار های کرده و نکرده، نام کسان دیگری را نیز بر زبان آوردند و برخی از مطبوعات هم با لب خوانی از سیما و قافیه گذاری بر نام این افراد به سناریو نویسی از ابعاد دسیسه آنها پرداختند؟ آیا آنها صرف نظر از عقاید و اعمال خلاف شان، انسان و دارای کرامت و حرمت نبودند که حیثیت و حرمت خود و خانواده هایشان چنین بی محابا هتک شد آیا این مصداق منطبق معروف یک بام و دو هوا نیست؟»

مصباح یزدی، دفاع از اقدامات بربر منصفانه در برابر آزادی و دموکراسی

مصباح یزدی تئوریسین رژیم ولایت فقیه که نظریات شرعی و اسلامی اش توسط مزدورانش به صورت های مختلف در جامعه به مرحله عمل در می آید در ادامه بحث های «فلسفی اش» و در ادامه توجیهات سرکوبگرانه اش در دفاع از تفرکات بربر منصفانه برای حفظ رژیم ولایت فقیه باز هم تاکید کرد: «من تئوریسین خشونت نیستم و تاکید می کنم در مواردی که کار از دست دولت خارج شد و اسلام در خطر باشد راهی جز تمسک به خشونت نیست و در این شرایط اعمال خشونت واجب است». وی گفت: «حرف من این است که قوه مجریه باید در مقابل خشونت، دارای قدرت فیزیکی باشد و باید متوسل به قوه قهریه شود و اگر چنین قوه ای در حکومت اسلامی نباشد، ضمانت اجرایی وجود نخواهد داشت.» مصباح یزدی افزود: «آنها که ما را به تئوریزه کردن خشونت متهم می کنند باید بدانند که خشم گاهی مطلوب است و اگر انسان خشم نداشته باشد بی رگ و بی غیرت می شود و اسلام این را نخواست است.» وی گفت: «اگر کسی قرآن را قبول دارد باید خشونت را بپذیرد و قرآن مردمی را لعن می کند که بدعت در دین را ببینند و سکوت کنند.» وی این بار حتی فراتر از گذشته هم رفت و اضافه کرد: «خشونت با نیزه، شمشیر، توپ، موشک و با کلت و ویران کردن شهری یا اهلس در چند جا جایز است.» وی در پایان گفت: «اگر مردم احساس کنند کیان

اسلامی در خطر است و توطئه ای علیه نظام اسلامی در کار است، اگر دولت اقدام کرد و کافی نبود، باید مردم اقدام کنند که نمونه آن اخیرا به همت بسیجیان در جریان فرونشاندن «آشوبهای» اخیر انجام گرفت.» مصباح یزدی در نماز جمعه هفته گذشته در مورد دموکراسی و آزادی گفته بود: «مشاهده می شود که دشمنان تلاش دارند تا مفاهیمی را جزء فرهنگ ما کنند که از آن جمله آزادی، دموکراسی است و تلاش می کنند آنها را به صورت یک بت درآورند تا کسی جرئت نکند علیه دموکراسی و آزادی سخن بگوید.» وی ضمن اوباش خواندن دانشجویان گفت: «دشمنان با ایجاد آشوب های اخیر می خواستند شبیه حادثه ۲۸ مرداد را به وجود آورند و با یک مشت اوباش کودتا کنند.» وی با دفاع از اقدامات بربر منصفانه و خشونت آمیز مزدوران تاریک اندیشی ادامه داد: «به تشخیص خود احساس کردم باید این بت را که خشونت بد است و هر نرمش مطلوب است، شکست.» مصباح یزدی گفت: «باید یک شوک به جامعه وارد می شد که خواب نباشید و به عاقبت طلبان نیز گفته می شد که تحت تاثیر این تبلیغات قرار نگیرید، این یک خطر است.»

ماهیت خاتمی از گزارش کمیته تحقیق سرکوب دانشجویان

محمد خاتمی رئیس جمهور گزارش کمیته تحقیق شورای عالی امنیت ملی در باره سرکوب دانشجویان را توأم با انصاف و دقت دانست و تاکید کرد: شورای عالی امنیت ملی مسئول امنیت کشور است و کمیته تحقیق مصوب این شورا است و لطمه خوردن این رکن به معنای لطمه خوردن اساس «نظام» است. خاتمی گفت: گزارش این کمیته منصفانه، محققانه، با کمال احتیاط و با توجه به صداها سند، گزارش، تصویر و گفت و گو با مظلمان و شاهدان عینی تهیه شده و به اطلاع مقام معظم رهبری و اینجناب رسید و بر اساس آن اطلاعیه منتشر شد. خاتمی اضافه کرد: نگاه به این موضوع باید موضوع ملی باشد نه سلیقه ای و جناحی. وی گفت: نقد و نظر اشکال ندارد اما تلاش برای بی اعتماد کردن مردم به ارگانی که همه باید به آن اعتماد داشته باشند از جمله شورای امنیت ملی روانیست. با مسائل امنیت ملی نمی توان شوخی کرد. خاتمی از تلاش طاقت فرسای اعضای کمیته تحقیق به خصوص دکتر حسن روحانی و علی ربیعی قدردانی کرد و گفت: این کمیته توانست بدون هیاهو زدگی و ملاحظاتی خاص، گزارش منصفانه و دقیقی عرضه کند، که در واقع جمع بندی شورای عالی امنیت ملی و نظام است. حسن روحانی در راهپیمایی طرفداران ولایت فقیه در جریان سرکوب دانشجویان گفته بود: اگر منع مسئولان نبود «مردم ما»، جوانان مسلمان، غیور و انقلابی سان این عناصر «اوباش» را تکه تکه و قطعه قطعه می کردند.

ادامه ۲۹ اسفند، روز...

نداشته اند، بلکه جز خیانت کاری نکرده اند به نسل جدید القاء می شود که با تاریخ ندارد یا تاریخی بدنام در قفای اوست. در حالی که یک کنفرانس و یک ملاقات آشکار بین دو چهره غیر دولتی یا حضور چند جهانگرد را با جنجال و اختطار و اسلما و توطئه برقراری رابطه مورد هجوم قرار می دهند، چرا معنی آشکار تحقیر نهضت ملی نفت ایران هیچ نگرانی در انصار و یسین پدید نمی آورد؟» (به نقل از روزنامه اطلاعات بین المللی ۲۹ مرداد ۷۸).

تاریخ نشان داده است که دیکتاتورها و قداره بندان هرگز نتوانسته اند گذشته پرافتخار مبارزاتی مردم میهن ما را نفی و حذف کنند. رژیم وابسته و خائن شاه برای بیش از دوده تلاش کرد تاریخ مبارزات مردم ما را مخدوش و وارونه جلوه دهد. سازمان امنیت شاه هرچه در توان داشت برای تحریف تاریخ نهضت ملی ایران، خصوصاً نقش و جایگاه حزب توده ایران در رهبری جنبش کارگری به کار گرفت. توده ای های قهرمان همچون سیامک ها، مبشری ها، روزبه ها، کیوان ها، و کیلی ها و دیگران به جوخه های اعدام سپرده شدند تا کودتای خائنه و ضد ملی ۲۸ مرداد توجیه شود، ولی حقیقت همچنان که رفیق شهید روزبه پیش بینی می کرد، همچون آفتاب درخشانی از پس ابرهای تاریک بیرون آمد و امروز آنچه رسوا و مدفون است رژیم پهلوی است و پایدار و جاویدان مبارزاتی هستند که تا آخرین دم سرود آزادی و دفاع از حقوق مردم را سر دادند. این بار نیز تلاش مستی تاریک اندیش و «کوتوله» تاریخی با شکست مفتضحانه ای روبه رو شد. ارتجاع حاکم که فکر می کرد در فضای عقب نشینی و سرکوب جنبش دانشجویی می تواند هر کاری را که بخواهد انجام دهد، سیلی تاریخی سختی خورد و از وحشت و انکس خشمناک توده ها، خصوصاً کارگران و زحمت کشان که نقش اساسی و قاطعی در به پیروزی رساندن جنبش ملی شدن صنعت نفت داشتند، قزوا و اداوار به عقب نشینی شد، ولی این عقب نشینی کوچکترین تنبیهی در ماهیت ضد مردمی ارگانی که نام مجلس نمایندگان مردم را بر خود نهاده است نمی دهد. مجلس شورای کنونی چیزی جز ارگان کارگزاری توجیه قانونی استبداد و ارتجاع نیست و از همین رو است که ارتجاع سخت در تلاش است با اعمال اجرای نظارت استصوابی جلو راه یابی نمایندگان واقعی مردم را به مجلس سد کند. تصویب لئو روز تعطیلی ۲۹ اسفند، روز تاریخی پیروزی بزرگ مردم ما بر استعمار و امپریالیسم، برگ دیگری کارنامه سیاه ارگانی است که اعمال ننگین دیگری همچون: طرح «جدا سازی جنسی خدمات پزشکی»، طرح محدود کردن آزادی مطبوعات، طرح اعزام نیروی شبه نظامی «بسیج دانشجویی» به دانشگاه ها، و ده ها طرح ضد ملی و ضد مردمی را سازمان دهی کرده است. مردم ما این اقدام کارگزاران استبداد و ارتجاع را فراموش نخواهند کرد و با تمام توان از تاریخ پرافتخار مبارزات خود در مقابل چنین یورش های دزدانه ای دفاع خواهند کرد.

آدرس ها: لظادر مکاتبات خود با آدرس های زیر، از ذکر هرگونه نام اضافی خودداری کنید.

24 August 1999

1-Postfach 100644, 10566 Berlin, Germany
2-B.M. Box 1686, London WC1N 3XX, UK

Supplement to Nameh Mardom-NO 564
Central Organ of the Tudeh Party of Iran

شماره فاکس و

تلفن پیام گیر ما

۰۰ - ۴۹ - ۳۰ - ۳۲۴۱۶۴۷

حساب بانکی ما:

نام IRAN e. V.
شماره حساب 790020580
کد بانک 10050000
بانک Berliner Sparkasse